

تربیت بدون خشونت

(کودک آزاری از نظر فقه شیعه)

unicef 

تابستان ۱۳۸۶

© صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، ایران
تربیت بدون خشونت: کودک‌آزاری از نظر فقه شیعه، (مجموعه نظرات مراجع
تقلید و فقهای شیعه در خصوص کودک‌آزاری) تهیه کننده: یونیسف
تهران: یونیسف، ۱۳۸۶. ۴۶ ص.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی	۴
آیت‌الله العظمی صانعی	۱۶
آیت‌الله هاشمی رفسنجانی	۲۰
آیت‌الله موسوی بجنوردی	۲۶
آیت‌الله محقق داماد	۴۰
آیت‌الله مرعشی	۴۴

دیدگاههای مطرح شده در این کتاب نظر نویسندگان بوده و لزوماً موضع رسمی صندوق
کودکان سازمان ملل (یونیسف) را منعکس نمی‌کند.



تربیت بدون خشونت: کودک‌آزاری از نظر فقه شیعه
تهیه کننده: صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)
طراحی و صفحه‌آرایی: شرکت انگاره
چاپ اول: ۱۰۰۰ نسخه، تابستان ۱۳۸۶

آدرس: تهران، خیابان شریعتی، خیابان قبا، کوچه نظامی،
پلاک ۲۱۶، کدپستی ۱۹۴۴۹
تلفن: ۲۲۵۹۴۹۹۴ فکس: ۲۲۵۹۴۹۴۸
آدرس وبسایت:

www.unicef.org/iran
www.unicef.org/iran/fa

جهانی شایسته کودکان
جهانی بدون فحشونت

پیشگفتار

آخرین مطالعه جهانی در زمینه کودکان و خشونت نشان می‌دهد که آزار جسمی و جنسی و همچنین بهره‌کشی از کودکان و نادیده‌گرفتن آنها در تمام جوامع دنیا وجود دارد. به خصوص اگر چنین اتفاقاتی در داخل خانواده، جایی که کودک باید رشد کند، با عشق و مهربانی مراقبت شود و در برابر خشونت از او حمایت شود؛ رخ دهد، بسیار باعث نگرانی خواهد بود.

بنابراین صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) تمامی کشورهای جهان را یاری می‌کند تا از خشونت علیه کودکان پیشگیری نمایند. این مساعدت بر اساس رسالت یونیسف برای پشتیبانی از کشورها در احقاق حقوق کودک می‌باشد.

حق رشد در محیطی بدون خشونت یکی از حقوق انسانی و بنیادین کودک است چرا که هر کودک نیز یک انسان می‌باشد. بر اساس ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک «کشورهای عضو کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی‌توجهی یا رفتار توأم با سهل‌انگاری، سوءرفتار یا بهره‌کشی، از جمله سوءاستفاده جنسی، در حین مراقبت توسط والد (والدین)، سرپرست (سرپرستان) قانونی یا هر شخص دیگری که عهده‌دار مراقبت از کودک است، حمایت کنند».

یونیسف ایران از سال ۱۳۸۴ با همکاری دولت به بررسی کودک‌آزاری پرداخته است. این همکاری شامل کمک‌های فنی در اصلاحات قانونی، آموزش کارکنان بهداشت برای شناسایی زودهنگام موارد کودک‌آزاری، تاسیس خط یاری کودک برای کودکانی که از خشونت رخ می‌برند و همچنین اطلاع‌رسانی و تحقیق در این زمینه می‌باشد.

اقدامات ابتکاری بسیار مهمی از آن زمان تاکنون انجام شده است، اما مهم‌ترین جنبه این همکاری، تأکید بر پیشگیری بوده است.

پیشگیری وظیفه بسیار دشوار و پیچیده‌ای است. ریشه‌های خشونت علیه کودکان در خانواده بسیارند. اغلب اوقات چنین مشکلاتی از افزایش فشار بر والدین و این باور که تنبیه بدنی راه موثری برای کنترل و تربیت کودک است، ناشی می‌شوند. در حالی که مستندات علمی بسیاری وجود دارند که نشان می‌دهند تربیت با خشونت منجر به بروز مشکلات روانی و پرورشی می‌شوند. به‌عنوان مثال روش‌های آموزشی



همراه با خشونت، باعث تضعیف توانایی کودک برای تمرکز در مدرسه می‌شوند. این روش‌ها اعتماد به نفس کودک را کاهش داده و منجر به رفتار غیراجتماعی یا مشکل خودآزاری کودک می‌شوند. تنبیه بدنی کودکان از بعد اخلاقی نیز مردود است: «کتک زدن انسانها کار اشتباهی است. کودکان نیز انسان هستند.» به‌طور کلی هرگونه سهل‌انگاری، آزار روانی و جسمی کودک غیرقابل قبول است؛ زیرا که بر سلامت و آموزش کودکان تاثیر منفی گذاشته، باعث رفتار اجتماعی ناپسند شده، شان و حقوق آنها را نقض می‌کند.

با توجه به موارد ذکر شده، برای پیشگیری از هرگونه کودک‌آزاری اقدامات منسجم و بنیادین باید اتخاذ شود. برای حمایت از کودکان و نوجوانان و مجازات افرادی که مرتکب کودک‌آزاری می‌شوند نیاز به لویح قانونی است. خدمات اجتماعی باید برای حمایت و مشاوره با کودکان آسیب‌دیده و خانواده‌هایشان ارائه گردد. در این راستا، هم‌چنین نیاز زیادی وجود دارد تا دانش و آگاهی بخش‌های مختلف جامعه در زمینه پیشگیری از کودک‌آزاری افزایش یابد. بالا بردن آگاهی عمومی به تنهایی نمی‌تواند یک هدف باشد لذا این موضوع باید به شکل مشخص‌تری تفسیر گردد: تغییر نگرش و رفتار.

بدین دلیل است که انتقال دانش و مهارت‌های لازم در زمینه تربیت بدون خشونت و آموزش والدین، معلمان، کسانی که حتی برای مدت کوتاهی از کودکان مراقبت می‌کنند و هرکس که نقشی در زندگی کودک بازی می‌کند، بسیار مهم است. در ایران، روحانیون و علما و محققان مذهبی نقش‌آفرینان بسیار مهمی در این حرکت بزرگ خواهند بود. آنان نفوذ بسیار بالایی در جامعه دارند و افکار و اعمال میلیون‌ها انسان با ایمان را هدایت می‌کنند. آنان از قدرت اخلاقی و معنوی زیادی برای تاثیرگذاری بر عقاید و رفتارهای اجتماعی، خصوصا در مواردی مانند ازدواج، زندگی خانوادگی و پرورش کودکان برخوردار هستند.

یونیسف ایران از علما و رهبران مذهبی برجسته کشور برای مقابله با خشونت علیه کودکان تقاضای حمایت و همکاری کرده است. تمامی روحانیون و مراجع مذهبی که یونیسف بدین منظور از آنان تقاضای ملاقات نمود، بلافاصله پاسخ دادند و در این ملاقات‌ها نگرانی خود را نسبت به این مشکل ابراز کردند که نه تنها در ایران بلکه در کشورهای دیگر نیز خشونت در برخی خانواده‌ها روابط بین والدین و کودکان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بسیاری از آنها موافقت کردند که دانش و دیدگاه‌های مذهبی خود را در رابطه با تربیت بدون خشونت در اختیار یونیسف و حوزه وسیع‌تری از مخاطبین قرار دهند. به این ترتیب علما و رهبران مذهبی براساس مطالعه متون

مذهبی و تجزیه و تحلیل بخش‌های مربوطه، هفت سوال یونیسف را پاسخ دادند که راه‌های صحیح تربیت اسلامی را به تفصیل شرح می‌دهد.

ما عمیقا از صداقت و روحیه همکاری رهبران مذهبی ایران کمال امتنان را داریم و امیدواریم که خوانندگان این کتاب از رهنمودهای مذهبی در زمینه بهترین راه‌های پرورش کودک استفاده کنند.

این کتاب مجموعه‌ای است از نظریات و رهنمودهای هفت تن از مراجع بزرگ مذهبی که دانش و آگاهی بالایی نسبت به منابع غنی اسلامی در زمینه آموزش، پرورش و تربیت کودک دارند.

بدون شک، گوناگونی نظرات بیان شده در این کتاب نشان‌دهنده پویایی فقه شیعه بوده و نشان می‌دهد که همکاری رهبران مذهبی می‌تواند نقش بسیار مهمی در احقاق حقوق کودک در ایران ایفا کند. در حالی‌که تعدد و تکثر نظرات در رابطه با سوال‌های مطرح شده مبنی بر این که چه نوع تنبیهاتی مجاز هستند، وجود دارد اما یک اصل قوی مشترک در تمامی این سخنان وجود دارد و آن این است: «بهترین راه تربیت کودک همان تربیت با مهربانی و صبورانه است».

یونیسف کاملا با این اصل موافق است و به اهمیت تربیت با مهربانی و بدون خشونت تاکید می‌کند. ما اعتقاد داریم که بهترین راه پرورش کودک، به‌وجود آوردن محیطی خانوادگی بدون خشونت است و ما امیدواریم که این کتاب در ترویج آموزش با مهربانی در همه حوزه‌های زندگی اجتماعی کودک موثر باشد.

کریستین سالازار-فولکمن

نماینده صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)
در جمهوری اسلامی ایران



با آرزوی توفیق برای همه کسانی که در راستای خدمت به جامعه انسانی خصوصاً اقشار ضعیف و ناتوان که قادر بر احقاق حقوق خویش نیستند فعالیت می‌نمایند، به طور کلی می‌توان در پاسخ به پرسش‌های مذکور در نامه نماینده محترم دفتر صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) در جمهوری اسلامی ایران به امور زیر که در بردارنده اهتمام ویژه اسلام به امر کودکان در هر زمینه است اشاره نمود:

۱- یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند برای خانواده وجود فرزند نیکوکار و شایسته است که با رفتار و کردار خویش اسباب سربلندی پدر و مادر را فراهم سازد؛ به چند سخن حکیمانه از پیشوایان دین اسلام در این باره توجه نمایید^۱:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: «فرزند شایسته گل خوشبویی است که خداوند بین بندگانش تقسیم نموده است».

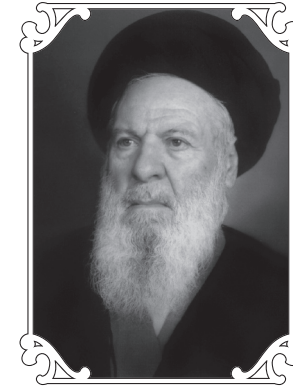
پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: «چند چیز باعث سعادت و خوشبختی فرد مسلمان است: همسر شایسته، خانه وسیع، وسیله سواری راهوار و فرزند صالح و نیکوکار...»^۲

امام صادق‌علیه‌السلام: «میراث خدا از بنده مؤمن خویش فرزند شایسته و درستکاری است که برای پدرش طلب مغفرت و بخشش نماید».^۳

امام صادق‌علیه‌السلام: «فرد مؤمن پس از مرگ به واسطه سه خصوصیت از ثواب و پاداش بهره‌مند می‌گردد: صدقه جاریه‌ای که در زمان زندگی‌اش قرار داده و هنوز آثارش باقی است، سنت و روش هدایت‌گرانه‌ای که بنا نهاده و پس از مرگ او نیز به آن عمل می‌شود، و فرزند نیکوکاری که برایش دعا می‌کند».^۴

امام صادق‌علیه‌السلام: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: عیسی بن مریم‌علیه‌السلام به قبری برخورد کرد که صاحبش در حال عذاب بود، سال بعد که از کنار آن قبر عبور می‌کرد دید از عذاب صاحب قبر خبری نیست، پس با خدا چنین سخن گفت: پروردگارا! سال پیش به این قبر برخورد کردم در حالی که صاحبش عذاب می‌شد و امسال اثری از عذاب او نمی‌بینم؟ خداوند به او وحی کرد: فرزند صالح و شایسته این شخص به حد رشد و بلوغ رسید پس راه عبور مردم را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد، بدین خاطر پدرش را بخشیدم...»^۵

از نظر تعالیم اسلام پدر و مادر باید توجه نمایند که شخصیت فرزندانشان جزئی از شخصیت آنها شمرده می‌شود؛ خداوند متعال در قرآن مجید برای معرفی مقام والای حضرت ابراهیم‌علیه‌السلام به ذکر پیامبران و شخصیت‌های بزرگی که از نسل و دودمان او در زمان‌های مختلف بوجود آمدند پرداخته و از آنها به تفصیل نام برده است.^۶



آیت‌الله‌العظمی عبدالکریم موسوی اردبیلی

زندگینامه

آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی در سال ۱۳۰۴ شمسی در اردبیل به دنیا آمد. ایشان تحصیلات خود را در سن شش سالگی با ورود به مکتب‌خانه و فراگیری قرآن آغاز کردند و در سال ۱۳۲۲ برای تحصیلات به شهر قم مهاجرت نمودند. وی هم‌چنین مدت دو سال و اندی در نجف اقامت کرده و در محضر علمای بزرگ به تحصیل پرداختند.

ایشان در سال ۱۳۴۸ جهت منسجم کردن اقدامات فرهنگی، مؤسسه خیریه مکتب امیرالمؤمنین را تأسیس کردند که ۳ باب مسجد، یک مرکز فرهنگی، ۴ مدرسه راهنمایی و دبیرستان و دانشگاه تاکنون توسط این مؤسسه تأسیس شده و در حال فعالیت هستند. پس از پیروزی انقلاب، ایشان با همکاری دوستان به تدوین قوانین کیفری، جزائی و حقوقی دادگستری و انطباق آنها با موازین شرع و فقه اسلامی پرداختند. ایشان در دوران بعد از انقلاب اسلامی در سمت‌های علمی و اجرایی قرار گرفتند که از آن جمله می‌توان به عضویت در شورای انقلاب اسلامی، دادستانی کل کشور، عضویت در مجلس خبرگان و شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره کرد. ایشان هم‌چنین در دهه اول انقلاب اسلامی بالاترین مقام قضایی کشور یعنی ریاست دیوان عالی کشور را به عهده داشتند. در شهریور ۱۳۶۸ آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی به قم هجرت نمودند. ایشان در این مدت ضمن ادامه تدریس و تحقیق دانشگاه مفید را راه‌اندازی نمودند.

۱- وسائل الشیعة، باب ۲ از ابواب احکام الاولاد، ج ۱، ص ۲۱، ج ۲، ص ۳۵۸.
 ۲- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۸، ج ۶، ص ۶۴.
 ۳- وسائل الشیعة، همان، ص ۲۵۹.
 ۴- بحارالانوار، همان، ص ۱۰، ج ۸.
 ۵- همان، باب ۲، ص ۲۵، ص ۳۵۹.
 ۶- سوره انعام (۶)، آیه ۸۴ - ۸۶.

۲- در تعالیم اسلام رعایت سلامتی و بهداشت روحی و جسمی فرزند و نیز حفظ شخصیت و کرامت وی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. برای دستیابی بر این امر خطیر راهکارهای عملی متعددی در مراحل گوناگون قبل از تکون و انعقاد نطفه فرزند، هنگام تکون، بعد از تکون و قبل از تولد، هنگام تولد، زمان شیرخواری، دوران صباوت و کودکی، و دوران نوجوانی و پس از آن بیان گشته است که در این جا به پاره‌ای از موارد آن اشاره می‌نمائیم:

الف - ترغیب بر اجتناب زن و شوهر از آمیزش در پاره‌ای از حالات و شرائط و زمان‌ها و مکان‌ها و بیان عواقب خطرناک آمیزش در این موارد بر فرزند که به واسطه این آمیزش متکون خواهد شد، و برعکس ترغیب زن و شوهر بر آمیزش در حالات و شرائط و زمان‌ها و مکان‌های خاصی و بیان آثار سودمند آمیزش در این موارد برای فرزند که متکون خواهد شد.^۷

ب - ترغیب مادر بر تغذیه از مواد غذایی حلال و پاک و پاکیزه و مقوی و دارای آثار سودمند در دوران آبستنی و پرهیز از مواد غذایی حرام و غیر پاکیزه و مضر.^۸

ج - سفارش بر انجام برخی کارها پس از ولادت فرزند مثل: سپاسگزاری از خداوند در صورت سلامت طفل پس از ولادت؛ گفتن اذان در گوش راست وی و اقامه در گوش چپش، که با این کار در حقیقت عقائد صحیح از بدو تولد بر او عرضه خواهد شد؛ ترغیب بر نام‌گذاری نیکو خصوصاً نام انسان‌های شریف و شایسته، بلکه سزاوار است نام‌گذاری قبل از تولد وی باشد؛ انتخاب «کنیه» مناسب که در حقیقت به منزله نام خانوادگی است؛ پوشاندن لباس تمیز و سفید بر نوزاد؛ اطعام دیگران به مناسبت ولادت نوزاد که از آن به «عقیقه» یاد شده؛ تراشیدن موی سر نوزاد و صدقه دادن طلا یا نقره به اندازه وزن آن به فقرا و تهی‌دستان.^۹

د - ترغیب مادر بر شیردادن فرزند خویش در مدت معین همراه با آداب خاص، و در صورت ناتوانی وی بر این امر استفاده از «دایه» مناسب و دارای شرائط ویژه از قبیل: زشت نبودن قیافه و دارای عیب نبودن؛ به وجود نیامدن شیر پستانش به واسطه ولادت از راه زنا و زنازاده نبودن خود دایه؛ منحرف نبودن در عقائد و مرتکب نگردیدن گناهان بزرگ؛ احمق نبودن از نظر عقل و هوش.^{۱۰}

ه - توجه شایسته به امر حضانت و نگهداری کودک و بیان اوصاف فردی که این مسؤولیت را به عهده می‌گیرد اعم از والدین و غیر آنان.^{۱۱}

و - حفظ هویت فرزند، و این که هیچ فردی حق ندارد فرزند وی را که طبق موازین شرعی منتسب به اوست از خود نفی نماید.^{۱۲}

۳ - از نظر اسلام یکی از بزرگترین عوامل موفقیت فرزند در صحنه‌های زندگی و حرکت او به سوی صلاح و رستگاری آن است که والدین همواره وی را مورد کرامت و احترام، محبت، رحمت و ارفاق قرار داده و شخصیت وی را حفظ نمایند؛ حفظ هویت و شخصیت فرزند تأثیر بسزایی در شکوفایی استعدادهای نهفته وی داشته و او را از گرفتار شدن در دام افراد ناشایست باز می‌دارد، به چند نمونه از گفتار شخصیت‌های اسلام در این زمینه توجه نمائید:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعْفَرْ لَكُمْ» یعنی: فرزندان خویش را احترام و تکریم نموده و آنها را خوب تربیت نمائید تا مورد مغفرت و بخشش واقع شوید.^{۱۳}

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: «کودکان را دوست بدارید و مورد شفقت و مهربانی قرار دهید...»^{۱۴}

شخصی به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: در حق چه کسی نیکی نمائیم؟ حضرت فرمود: پدر و مادرت، گفت: آنها زنده نیستند، حضرت فرمود: پس به فرزندت نیکی نما.^{۱۵}

امام صادق علیه‌السلام: «نیکی شخص به فرزندش مثل نیکی به پدر و مادرش می‌باشد»^{۱۶}

پدر و مادر بایستی در مواقع مختلف از راه‌های گوناگون محبت و علاقه خود را نسبت به فرزندشان نشان داده و ابراز نمایند؛ بوسیدن فرزند و نوازش وی از روی کرامت و شفقت و مهربانی یکی از این راه‌هاست.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: «کسی که فرزند خود را ببوسد خداوند برایش پاداش و حسنه می‌نویسد و کسی که فرزندش را شاد و مسرور نماید خداوند او را روز قیامت شاد می‌گرداند»^{۱۷}

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: «زیاد فرزندان خود را ببوسید همانا برای هر بوسه‌ای خداوند به شما در بهشت یک درجه که مسیر آن به اندازه پانصد سال راه است عطا می‌کند»^{۱۸}

فردی پیش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و گفت: من هیچ يك از کودکانم را هرگز نبوسیده‌ام، وقتی آن شخص از پیش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رفت حضرت چنین گفت: «این فرد نزد من شخصی است از اهل آتش»^{۱۹}

۷- وسائل الشیعة، کتاب النکاح، باب ۵۸ تا ۷۰ از ابواب مقدمات النکاح، ج ۲، صص ۱۱۹-۱۱۴، همچنین: باب ۱۴۹ تا ۱۵۶، صص ۲۵۱-۲۵۸.
۸- بحار الخوار، ج ۱۰۱، صص ۸۱-۸۴، و وسائل الشیعة، کتاب النکاح، باب ۳۲ تا ۳۴ از ابواب احکام الاولاد، ج ۱، صص ۴۰۲-۴۰۵.
۹- وسائل الشیعة، همان، باب ۳۵ تا ۶۱، صص ۴۰۵-۴۴۶.
۱۰- همان، باب ۶۷ تا ۷۲، صص ۴۵۱-۴۵۸، همچنین: باب ۷۵ تا ۸۰، صص ۴۶۲-۴۷۰.
۱۱- همان، باب ۷۲ تا ۸۱، صص ۴۵۹ و ۴۶۰-۴۷۲.

۱۲- همان، باب ۱۰۵، صص ۵۰۳-۵۰۵، همچنین: باب ۵۸ نکاح العبد ۱۳-والاماء، صص ۱۷۳-۱۷۵.
۱۳- همان، باب ۸۳، ج ۹، صص ۴۷۶.
۱۴- همان، باب ۸۸، ج ۳، صص ۴۸۳.
۱۵- کنز العمال، ج ۱۶، صص ۵۸۴، رقم ۴۵۹۰، و وسائل الشیعة، همان، ج ۲، صص ۴۸۴-۴۸۵.
۱۶- همان، ج ۱، صص ۴۸۴-۴۸۵.
۱۷- همان، باب ۸۳، ج ۳، صص ۴۸۳.
۱۸- همان، باب ۸۹، ج ۳، صص ۴۸۵.
۱۹- همان، ج ۱، صص ۴۸۴-۴۸۵.



پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله آنقدر به دخترش فاطمه علیها السلام احترام می نمود که باعث تعجب مردم می شد؛ وی با تمام مقامی که داشت دست فرزندش فاطمه علیها السلام را می بوسید.

ناگفته نماند در اسلام توصیه شده است که در محبت نمودن به فرزند باید جانب اعتدال و میانه روی را رعایت نمود و از محبت های کاذب و بیش از اندازه و پرورش ناز پرورده و «عزیز دردانه» اجتناب نمود، چرا که این گونه محبت های غیر صحیح مانع استقلال و خودکفایی فرزند شده و باعث می شود که او همچون یک نهال نارس برای همیشه در سایه یک درخت تنومند قرار گرفته و از رشد و نمو لازم برخوردار نشده و بیرون از چتر حمایت پدر و مادر هرگز قادر به ادامه زندگی نباشد و در برابر طوفان زندگی و فشار حوادث به زانو درآید.

پیشوای هفتم شیعیان امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «پسندیده است فرزند را در حال کودکی بر انجام برخی امور سخت و دشوار ترغیب نمود تا در بزرگی فردی بردبار و متحمل باشد.»^{۲۰}

بسا روزگارا که سختی بَرَد
چون پدر نازکش پرورد
خردمند و پرهیزگارش برآر
گرش دوست داری بنارش مدار^{۲۱}

۴ - در مکتب اسلام یکی از وظایف اساسی پدر و مادر در قبال فرزند آن است که او را با روش صحیح تربیت نموده و بد و خوب را به او شناسانده و بسته به شرایط یا تشویق و زبان رفق و مدارا یا با انذار و هشدار او را به طرف انجام کارهای خوب و شایسته سوق داده و از ارتکاب کارهای زشت و ناشایست برحذر دارند.
پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله: «هر کدام از شما که به تربیت فرزندش بپردازد این کار برایش از این که هر روز نیم صاع طعام به فقیر صدقه بدهد بهتر است.»^{۲۲}

امام سجاده علیه السلام در رساله حقوق خویش چنین می فرماید: «حق فرزندت آن است که بدانی او جزئی از وجود توست و در دنیا با هر خوبی و بدی که داشته باشد بالاخره منسوب به تو می باشد، و تو در برابر آنچه به عهدهات گذاشته شده در زمینه تربیت خوب و راهنمایی اش در مسائل اعتقادی چون خداشناسی و یاری او در اطاعت از خداوند مسؤول خواهی بود و پاداش حسن تربیت یا کیفر سوء تربیت او را خواهی دید، پس او را چنان تربیت نما که در دنیا مایه سرافرازی تو باشد و نزد خداوند معذور باشی...»^{۲۳}

چو خواهی که نامت بماند بجای
پسر را خردمندی آموز و رای
که گر عقل و طبعش نباشد بسی
بمیری و از تو نماند کسی^{۲۴}

همان طور که حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید: قلب کودک و نوجوان مثل زمین بایر و خالی است که هر بذری را در آن قرار دهند قبول نموده و پذیراست؛ ولی وقتی بزرگتر شود به واسطه گرفتاری ها و مشغولیت های ذهنی که برایش پیش می آید فرصت و آمادگی کمتری برای این کار دارد.^{۲۵}

هر که در خردیش ادب نکنند
در بزرگی فلاح ازو برخاست
چوب تر را چنان که خواهی پیچ
نشود خشک، جز به آتش، راست^{۲۶}

در پرورش فرزند باید از روش های نو و تازه بهره گرفت و وی را چنان تربیت نمود که فرزند زمان خویشتن گشته و با گذشت زمان و پدیدار شدن شرایط جدید بتواند در جامعه نقش مثبت و سازنده ای داشته باشد؛ حضرت علی علیه السلام می فرماید: «لا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِمَآنٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ»^{۲۷} یعنی:

فرزندان خویش را بر آداب و روش های زندگی خویش مجبور نکنید، زیرا آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند.

ناگفته نماند بهترین روش تربیتی آن است که در کلام حضرت علی علیه السلام به آن اشاره شده: «وَلَيْكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيَرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ»^{۲۸} یعنی: پیش از آن که با گفتار بخواهد دیگری را تربیت نماید با رفتار و اعمال درست خویش وی را تربیت نماید.

چو بد ناپسند آیدت خود مکن
پس آن گه به همسایه گو بد مکن

پدر و مادری که می خواهند مثلاً فرزندشان به آنها و دیگران هنگام برخورد و ملاقات سلام کند باید از خود شروع نمایند، و هر کدام هنگام ورود به خانه به دیگری و حتی به کودک خردسالشان سلام کند؛ پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله می فرمایند پنج خصلت و ویژگی را تا آخر عمر ترك نخواستیم کرد، سپس یکی از این پنج خصلت را سلام نمودن بر کودکان شمرده و می فرماید: من این کار را انجام می دهم تا پس از من به صورت فرهنگ و سنت درآید.^{۲۹}

۵ - از نظر اسلام فراهم نمودن اسباب تحصیل فرزند و آشنایی وی با معارف دینی و فراگیری قرآن و مسائل حلال و حرام یکی دیگر از وظایف والدین در قبال فرزند می باشد.

۲۴- بوستان، باب هفتم، در عالم تربیت، ص ۱۶۴.

۲۵- وسائل الشیعة، همان، باب ۸۴، ج ۶، ص ۴۷۸.

۲۶- گلستان، باب هفتم، در تأثیر تربیت، حکایت ۳، ص ۲۳۰.

۲۷- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، الحكم المنسوبة، ج ۲، ص ۲۶۷، حکمت ۱۰۲.

۲۸- وسائل الشیعة، باب ۱۰ از ابواب الامر والنهی، ج ۱۶، ص ۱۵۱.

۲۹- همان، باب ۳۵ از ابواب احکام العشرة، ج ۱۲، ص ۶۲.

۲۰- همان، باب ۸۵، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲۱- بوستان، باب هفتم، در عالم تربیت، ص ۱۶۴.

۲۲- وسائل الشیعة، همان، باب ۸۳، ج ۸، ص ۴۷۶.

۲۳- تحف المغول، ص ۲۶۳.



پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «پدر یا مادری که به فرزند خویش قرآن را بیاموزد روز قیامت مورد خطاب قرار گرفته و دو جامه «حله» بر آنها پوشانیده می‌شود که از نور آنها صورت اهل بهشت روشن می‌گردد».^{۲۰}

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «هنگامی که معلم به کودک «بسم الله» را بیاموزد خداوند برای آموزگار و کودک و پدر و مادرش سند آزادی از دوزخ را می‌نویسد».^{۳۱} امام علی علیه السلام: «حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو نهاده و خوب تربیت کرده و قرآن را به او آموزش دهد».^{۳۲}

امام علی علیه السلام: «فرزندان خود را به فراگیری علم و دانش امر نمایید».^{۳۳} امام صادق علیه السلام: «به نونهالان خود پیش از آن که افراد منحرف به سراغشان روند حدیث (و معارف دینی) بیاموزید».^{۳۴}

در برخی روایات نسبت به آموزش پاره‌ای از فنون نیز به فرزندان سفارش شده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می‌فرماید: «به فرزندان خود شنا و تیراندازی بیاموزید».^{۳۵}

همچنین در روایات متعددی گفته شده که اگر والدین می‌خواهند فرزند خود را بر کاری بگمارند، پیشه‌ای مناسب و آبرومندانه برای او انتخاب نمایند و از اختیار شغل‌های پست و شغل‌هایی که در روح و روان او اثر نامطلوب می‌گذارد خودداری نمایند.^{۳۶}

بیاموز پرورده را دسترنج
وگر دست داری چو قارون به گنج
مکن تکیه بر دستگاهی که هست
که باشد که نعمت نماند به دست
به پایان رسد کیسه سیم و زر
نگردد تهی کیسه پیشه‌ور^{۳۷}

ناگفته نماند که والدین در مسیر تعلیم و تربیت بایستی رعایت میانه‌روی و اعتدال را نموده و به فراخور سن کودک و درک وی بتدریج و گام به گام در این زمینه اقدام نمایند، و از هر گونه شتاب و تندروی که باعث خستگی و افسردگی و سرخوردگی او می‌شود اجتناب نمایند؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فرزند هفت سال بازی می‌کند و هفت سال قرآن فرا می‌گیرد و هفت سال به فراگیری مسائل حلال و حرام می‌پردازد».^{۳۸}

۶- در اسلام سفارش شده است که هرگز اطفال خردسال خود را به واسطه گریه نمودن کتک زنییم؛ بلکه به گریه او ترتیب اثر داده و نسبت به وی شفقت و مهربانی نموده و به دنبال یافتن علت گریه او باشیم؛ در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده که گریه نوزاد ذکر پروردگار و دعای در حق پدر و مادر است.^{۳۹}

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه وآله نماز ظهر را با مردم خواند؛ ولی دو رکعت آخر نماز را کوتاه نمود، پس از نماز مردم گفتند: آیا در نماز اتفاقی افتاد؟ حضرت فرمود: برای چه؟ گفتند: به خاطر این که دو رکعت آخر را طول نداده و سریع خواندید. حضرت فرمود: مگر شما صدای گریه بچه را نشنیدید؟».^{۴۰}

در اسلام همچنین نسبت به شفقت و مهربانی در حق کودک یتیم سفارش اکید شده است، تا آنجا که گفته شده هنگامی که یتیم گریه می‌کند عرش خداوند به لرزه در می‌آید، و کسی که وی را آرام می‌نماید جایگاهش در بهشت خواهد بود.^{۴۱}

۷- از نظر اسلام شایسته است کودکان خود را به بازی نمودن تشویق نموده و خود نیز با آنها در پاره‌ای موارد سرگرم بازی شویم؛ در روایات متعددی گفته شده که بچه‌ها را هفت سال آزاد بگذارید تا بازی نمایند.^{۴۲} پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «کسی که نزدش کودکی وجود دارد باید با او چون کودکان رفتار نماید».^{۴۳}

چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد

امام علی علیه السلام: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا»^{۴۴} یعنی: کسی که کودکی دارد باید در برخورد با او کارهای کودکانه انجام دهد.

هر که باشد کودکی در نزد او پس بیاید خود کند مانند او

روش و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و حضرت علی علیه السلام در برخورد با اطفال و کودکان به همین منوال بوده است؛ نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روی زمین زانو زده و کمر خود را خم می‌نمود و دو کودک خود «حسن» و «حسین» را بر آن سوار نموده و به بازی با آنها مشغول می‌شد و به آنها می‌فرمود: «چه خوب وسیله سواری است مرکب شما».^{۴۵}

در نقل دیگری آمده است که حسین علیه السلام در حالی که بچه بود با بچه‌های دیگر مشغول بازی بود، پیامبر به طرف او رفت و دستهای خود را باز نمود تا او را در بغل بگیرد، ولی او به این طرف و آن طرف فرار می‌کرد و پیامبر با سخنان و رفتار خویش او را می‌خنداند تا این که موفق شد او را در بغل بگیرد، پس یکی از دو دست خود را زیر چانه او و دست دیگر را زیر گلویش گذاشته و دهان خودش را

۴۰- همان، باب ۸۶، ج ۲، ص ۴۸۰.

۴۱- همان، باب ۱۳، صص ۳۷۴ و ۳۷۵؛ همچنین: باب ۶۲، ص ۴۴۶.

۴۲- همان، باب ۸۳، ج ۱، ص ۴۷۵.

۴۳- همان، باب ۹۰، ج ۱، ص ۴۸۶.

۴۴- همان، ج ۱.

۴۵- مستدرک الوسائل، باب ۶۶ از ابواب احکام الاولاد، ج ۲، ص ۱۵، صص ۱۷۱-۱۷۲.

۲۰- همان، باب ۸۳ از ابواب احکام الاولاد، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲۱- مستدرک الوسائل، باب ۶۰ از ابواب احکام الاولاد، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲۲- نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۳۹۹، ص ۴۳۲.

۲۳- کنز الأفعال، ج ۱۶، ص ۵۸۴، رقم ۵۹۵۲.

۲۴- وسائل الشیعة، همان، باب ۸۴، ج ۱، ص ۴۷۷.

۲۵- همان، باب ۸۳، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲۶- همان، باب ۲۱ از ابواب ما یکتسب به، ج ۱ و ۲، صص ۱۳۶-۱۳۷.

۲۷- بوستان، باب هفتم، در عالم تربیت، ص ۱۶۵.

۲۸- وسائل الشیعة، باب ۸۳ از ابواب احکام الاولاد، ج ۱، ص ۴۷۵.

۲۹- همان، باب ۶۳، ج ۱، ص ۴۴۷.



بر دهان او گذاشت و او را بوسید.^{۴۶}
در برخی کتاب‌های اهل سنت آمده است که حضرت علی علیه‌السلام حسن و حسین را که خردسال بودند بالا و پایین پرانده و در حال بازی و انس با آنها شعر زیر را می‌خواند:

حُرَّةٌ حُرَّةٌ
تَرَقَّ عَيْنَ بَقَّةٍ

پس آن بچه‌ها بالا رفته به طوری که پاهای خود را بر سینه حضرت می‌گذاشتند.^{۴۷}

۸ - در اسلام سفارش شده است که بین فرزندان خود در ابراز علاقه و محبت تبعیض قائل نشویم؛ محبت و علاقه به یکی از فرزندان - خصوصاً فرزند کوچکتر - گرچه امری قلبی بوده و از اختیار انسان خارج است؛ ولی والدین باید در حضور دیگر فرزندان از انجام کاری که نشان دهنده این مطلب است خودداری نمایند.
در روایتی آمده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مردی را مشاهده نمود که یکی از دو فرزندش را بوسید و از بوسیدن دیگری خودداری نمود، حضرت به ایشان فرمودند: «چرا بین آنها عدالت و مساوات را رعایت ننمودی.»^{۴۸}
همچنین نقل شده است که فردی بنام «بشیر بن سعد» به همراهی یکی از فرزندانش پیش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و به حضرت گفت: من چیزی را به این فرزندم بخشیده‌ام و دوست دارم شما شاهد این بخشش باشید، حضرت فرمود: آیا فرزند دیگری هم داری؟ گفت: آری، حضرت فرمود: آیا به بقیه فرزندان چنین چیزی را بخشیده‌ای؟ گفت: خیر، حضرت فرمودند: من بر این کار شهادت نمی‌دهم؛^{۴۹} در نقل دیگری در همین ماجرا آمده که حضرت فرمودند: «تقوای الهی پیشه کنید و بین فرزندانان به عدالت رفتار کنید، من بر کاری که ظلم و ستم در آن باشد شهادت نمی‌دهم.»^{۵۰}

همچنین در اسلام سفارش اکید شده است که والدین نباید بین پسر و دختر فرق بگذارند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «دختر «حسنة» و پسر «نعمت» است که خداوند به انسان ارزانی می‌نماید، و در قیامت بر حسنة به انسان پاداش و ثواب می‌دهند؛ ولی از نعمت بازخواست می‌نمایند.»^{۵۱}

پیش از پیدایش اسلام و در میان قبایل عرب دختر دار شدن برای پدر و مادر ننگ به حساب می‌آمد، به طوری که هرگاه به یکی از آنها خبر داده می‌شد همسرت دختر زاییده رنگ چهره‌اش تغییر می‌کرد؛ ولی اسلام با این مسأله به شدت برخورد نمود

و در مقام بیرون کردن این فکر جاهلی از سر مسلمانان برآمد؛ روایات گسترده‌ای هم که در زمینه ملاحظت و مهربانی با دختران و مشابه آن وارد شده در همین راستا می‌باشد؛ به چند نمونه از سخنان پیشوایان اسلام علیه‌السلام در این باره توجه نمایید:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: «دختران چه فرزندان خوبی هستند، آنها پر محبت، کمک کار انسان، انس گیرنده، با برکت و پاکیزه و پاک کننده هستند.»^{۵۲}
پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: «خداوند تبارک و تعالی رأفت و شفقتش بر دختران بیشتر از پسران است.»^{۵۳}

امام صادق علیه‌السلام: «اگر از خدا مرگ دختران خود را بخواهی و آنها بمیرند روز قیامت پاداشی نخواهی داشت و در حال نافرمانی و عصیان به ملاقات پروردگار خود خواهی رفت.»^{۵۴}

در برخی روایات گفته شده: «هنگام دادن هدیه و تحفه از دختران شروع نموده آنگاه آن را به پسران بدهید.»^{۵۵}

۹ - در مکتب اسلام سفارش شده است که به وعده‌ای که به فرزند خویش می‌دهیم وفا نمائیم؛ در حدیثی از امام کاظم علیه‌السلام چنین نقل شده: «هنگامی که به کودکان خود وعده می‌دهید به آن پایبند بوده و عمل نمایید؛ چرا که کودکان تصور می‌کنند شما روزی دهنده آنها هستید، همانا خشم خداوند عزوجل برای چیزی همانند خشم او برای (از دست رفتن حقوق) زنان و کودکان نمی‌باشد.»^{۵۶}

پسری را پدر وصیت کرد کای جوان مرد یادگیر این پند
هرکه با اهل خود وفا نکند نشود دوست روی و دولت‌مند

۱۰ - علاوه بر توصیه نسبت به رعایت امور دنیوی فرزند، اسلام توجه خاصی نسبت به رسیدگی به شؤون اخروی وی نیز دارد و انسان را موظف نموده که خانواده خود را که فرزند نیز جزوی از آن است از کارهایی که باعث بدبختی و عذاب اخروی می‌گردد نجات دهد. خداوند متعال خطاب به افراد با ایمان چنین می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^{۵۷} یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها می‌باشد حفظ نمایید.»

۴۷- ابن‌الکثیر مجد الدین ابو‌السمعات، النهاية في غريب الحديث والأثر، ج ۱، ص ۳۷۸ - كنز الأعمال، ج ۱۶، ص ۵۸۷، رقم ۴۵۹۶۵؛ حُرَّةٌ: کسی که ناتوان بوده و گامهای خود را بسبب ضعف کوچک و نزدیک هم بر می‌دارد، و گفته شده به معنی شخص کوچکی است که شکم برآمده دارد (تَبَلُّ). تَرَقَّ: بالا برو. بَقَّةٌ: حشره کوچکی است، و عین بَقَّةٌ کنایه از چشم کوچک است. پس ترجمه جمله مذکور چنین می‌شود: تَبَلُّوْا أَيُّ تَبَلُّوْا بالابرو چشم کوچولو.

همان، باب ۸۸ از ابواب احکام الاولاد، ج ۵، ص ۴۸۴.
سوره تحریم (۶۶): آیه ۶.

و مسائل الشیعة، باب ۸۶ از ابواب احکام الاولاد، ج ۵، ص ۲۱۶، ص ۴۸۰.

۴۸- وسائل الشیعة، همان، باب ۹۱، ج ۳، ص ۴۸۷.

۴۹- كنز الأعمال، همان، ص ۵۸۵، رقم ۴۵۹۵۴.

۵۰- همان، رقم ۴۵۹۵۷.

۵۱- وسائل الشیعة، باب ۵ از ابواب احکام الاولاد، ج ۷، ص ۲۱۶، ص ۳۶۵.

۵۲- همان، باب ۴، ج ۴، ص ۳۶۲.

۵۳- همان، باب ۷، ج ۱، ص ۳۶۷.

۵۴- همان، باب ۶، ج ۱، ص ۳۶۶.

۵۵- همان، باب ۳ از ابواب النفقات، ج ۱، ص ۵۱۴.

۵۶- همان، باب ۸۸ از ابواب احکام الاولاد، ج ۵، ص ۴۸۴.

۵۷- سوره تحریم (۶۶): آیه ۶.

هر يك از والدین که در زمینه نگهداری و تربیت كودك کوتاهی و سهل انگاری نماید پیش خداوند متعال مسؤول بوده و مورد بازخواست قرار می‌گیرند. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «پدر و مادر به واسطه عاق فرزند شدن دچار همان گناه و عقوبتی می‌شوند که فرزند به واسطه عاق پدر و مادر شدن به آن گرفتار می‌شود».^{۵۸}

۱۱ - از نظر اسلام كودك نیز همانند دیگران دارای حقوق فردی و اجتماعی خاص خود بوده و کسی نمی‌تواند بی‌جهت این حقوق را پایمال یا محدود نماید.

۱۲ - از نظر اسلام کسی که در حق كودك مرتکب جنایت بدنی یا آبرویی گردد عقوبت می‌گردد، بلکه در موارد متعددی عقوبت وی همانند عقوبت کسی است که نسبت به بزرگسال جنایت نموده.

۱۳ - از نظر اسلام كودکی که مرتکب جرمی شود که برای بزرگسالان دارای عقوبت است باید تأدیب گردد، و چنانچه در پاره‌ای از کتب فقهی خود ذکر نموده‌ام تأدیب امری است غیر از عقوبت، و متأسفانه در سخنان بسیاری از نویسندگان این دو امر بخوبی از یکدیگر تفکیک نشده‌اند، در حقیقت باید به گونه‌ای با كودك بزهکار برخورد نمود که وی متوجه بدی فعل خود گشته و از ادامه آن یا استمرار بر آن اجتناب نماید گرچه حصول این امر در پاره‌ای موارد مبتنی بر تشویق و اهدای جایزه به وی در صورت ترك آن فعل باشد.

بله اگر هیچ يك از راه‌های مسالمت‌آمیز تأدیب و حتی تهدید مؤثر واقع نگردید و جلوگیری وی از انجام آن عمل منحصر در تنبیه بدنی وی باشد به مقدار بسیار کمی متناسب با جرم و سن و توان جسمی وی می‌توان او را به قصد اصلاح و نه به قصد آزار تحت نظارت حاکم شرع خبیر جامع الشرائط تنبیه بدنی نمود.

با توجه به امور گفته شده از نظر تعالیم اسلامی برخورد با كودك بایستی متناسب با روحیات وی، همراه با کمال شفقت و مهربانی و تکریم و حفظ شخصیت او و تلاش در جهت سازندگی و تربیتش باشد، و این امر مختص به والدین كودك نمی‌باشد، بلکه کلیه افرادی که متصدی امور كودکان هستند باید با كودکان چنین رفتاری داشته باشند، و استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز به هر شکل آثار منفی و زیانباری را به همراه خواهد داشت. بنابراین شخصی که مرتکب كودك آزاری گردد، علاوه بر

گناه ضامن خسارات وارده بر وی نیز بوده و باید پاسخگو باشد. در صورت وقوع كودك آزاری چه توسط والدین و چه توسط نهاد خاصی و چه توسط افراد شرور بر همه افرادی که از آن اطلاع دارند لازم است تا با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر از آن جلوگیری نموده و اگر خود قادر بر آن نیستند مراتب را به دستگاه‌های مسؤول و مرتبط با مسأله منتقل نمایند.

یکی از راه‌های مبارزه با چنین پدیده‌ای فرهنگ‌سازی از طریق نشست‌های گوناگون علمی و نیز بررسی ابعاد مسأله از طریق دستگاه‌های ارتباط جمعی چون جرائد و صدا و سیما توسط کارشناسان خبیر و دلسوز است، همچنین تأسیس مؤسسات مردمی و دولتی در جهت حمایت از حقوق كودکان و نیز جعل قوانین متناسب با زمان یا اصلاح قوانین موجود و اجرای دقیق و قاطع آن توسط تشکیلات اجرایی مرتبط با مسأله در این زمینه کارساز است. از خداوند متعال توفیق روزافزون همه خدمتگزاران جامعه بشری را خواستارم.

۱ - قوانین شرع مقدس اسلام و قرآن چه نظری در مورد كودك آزاری دارند ؟

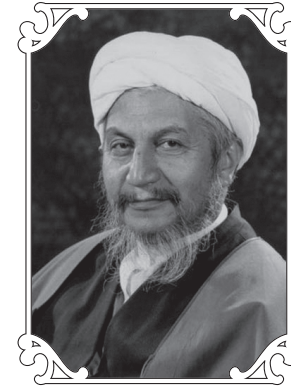
كودك آزاری نه تنها به عنوان آزار و اذیت انسان‌ها که حرام و جرم و گناه است، و نه تنها به عنوان اذیت موجود زنده جاننداری که اذیت را با جان خودش و با غریزه خودش درك می‌کند که مورد تهدید و عذاب الهی و قرار گرفتن آزار دهنده آنها در آتش جهنم، حرام می‌باشد بلکه حرمت و گناه ویژه و خاص خود را دارد چون آزار آنها سخت خلاف عواطف و وجدان بشری و علاقه انسانی بوده و هست و آزار کسانی است که توان دفاع از خود را نداشته و ندارند و باید به خدای بزرگ و مهربان و قادر و انتقام گیرنده از ظلم مظلومان از این گناه پناه برد و از ذات باری تعالی و رب العالمین درخواست ریشه‌کن شدن آن و زنده شدن فرهنگ و عواطف انسانی را نمود.

۲ - روش‌های صحیح تربیت فرزندان کدام هاست؟

کیفیت آن را باید علمای تربیت و روانشناسی و صاحبان فنون تربیت بیان نمایند، اما اجمالاً باید تربیت كودك همراه با مهربانی و زبان كودك و تشویق و ترغیب همراه با بازی و سرگرمی با آنها و شخصیت دادن به آنها باشد و باید تربیت کننده به يك اصل اسلامی توجه کند که در فرهنگ اسلامی، كودكان را بزرگان آینده بدانند و سرنوشت جامعه و انسان‌ها را مرهون رشد و بزرگواری و تربیت آنان بدانند.

۳- با در نظر گرفتن تاثیرات اجتماعی و روانی كودك آزاری، آیا يك فرد مسلمان می‌تواند با مشاهده یا اطلاع یافتن از كودك آزاری در قبال آن سكوت اختیار کرده و بی تفاوت باشد؟ تكالیف مذهبی مسلمانان در صورت مشاهده بدرفتاری و كودك آزاری یا اطلاع یافتن از آن چیست ؟

نه تنها يك انسان مسلمان، بلکه هیچ انسان با وجدان بشری و عاطفه انسانی نمی‌تواند در مقابل كودك آزاری بی تفاوت باشد که امیر مؤمنان (علیه السلام) اولین امام شیعیان که در زهد و عدالت و علم و فرهنگ سازی و تربیت، سرآمد همه انسان‌های تاریخ، بعد از نبی مكرم اسلام (صلی الله علیه وآله) بوده، همگان را در مقابل همدیگر مسئول دانسته و فرمود: «كلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته» (همه شما انسان‌ها وظیفه رعایت دیگران و حفظ حقوق آنها و اذیت نشدنشان را داشته و دارید و باید پاسخگوی آن رعایت و حفظ باشید.) در این کلام بزرگ همه انسان‌ها مسئول



آیت‌الله‌العظمی شیخ یوسف صانعی

زندگی‌نامه

آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ یوسف صانعی، در سال ۱۳۱۶ شمسی، در خانواده‌ای روحانی در روستای نیک‌آباد اصفهان ولادت یافتند. ایشان در سال ۱۳۲۵ شمسی وارد حوزه علمیه اصفهان شدند و پس از گذراندن دروس مقدمات، در سال ۱۳۳۰ شمسی برای ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه قم شدند. استعداد زیاد و جدیت فراوان ایشان، باعث شد که در زمره طلاب موفق و مورد توجه بزرگان حوزه در آن زمان قرار گیرند. ایشان در امتحانات سطوح عالی حوزه در سال ۱۳۳۴ شمسی رتبه اول را احراز نمودند و مورد تشویق مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی قرار گرفتند.

آیت‌الله‌العظمی صانعی با تلاش و پشتکار فراوان توانستند در ۲۲ سالگی به مرحله اجتهاد دست یابند و از سال ۱۳۵۴ رسماً تدریس خارج فقه را با کتاب زکات در مدرسه حقانی شروع نمودند که تقریرات آن درس به قلم دو تن از شاگردانشان موجود است.

ایشان در دوران پس از انقلاب اسلامی در سمت‌های مختلف علمی و اجرایی قرار گرفتند، از آن جمله می‌توان به دادستانی کل کشور، عضویت در شورای نگهبان و اولین دوره مجلس خبرگان و نیز نماینده امام خمینی(ره) در شورای عالی بازسازی مناطق جنگی اشاره کرد.

شناخته شده‌اند و از شئون مسؤولیت، آن است که انسان در مقابل اذیت کودکان، بی تفاوت نباشد و در حد توانش با ارشاد و هدایت آزار دهنده و یا اطلاع آزار و اذیت به مسئولین قانونی آن، وظیفه خود را اداء نماید وگرنه در مقابل خدای بزرگ و انسان‌ها مسئول بوده و باید پاسخگو باشد.

۴- برای جلوگیری از شیوع کودک‌آزاری در جامعه مسؤولیت افراد در موقعیت‌های مختلف از جمله والدین، کسانی که از کودکان نگاه‌داری می‌کنند، نهادهای مسؤل کودکان، رهبران مذهبی، کارکنان بیمارستان‌ها، معلمان، سیاستگذاران، و غایندگان چیست؟

هر کسی در حد مسؤولیت خودش از ارشاد و هدایت گرفته تا قانون‌گذاری و مجازات باید جلوگیری نماید و وظایف هر يك از آنها بر حسب قدرتش و توانشان از نظر شرع مقدس اسلام، واجب و لازم بوده و همگان در حد توان و مشروع و معروف باید دیگران را از گناه، مخصوصاً گناه کودک‌آزاری بازداریم که نهی از منکر از واجبات بزرگ اسلامی و دینی است.

۵- رفتار پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین با کودکان برای تربیت آنها به چه صورت بوده است؟ آیا در سیره پیامبر و ائمه معصومین برای تربیت کودکان از روش‌های خشونت‌آمیز (مانند تنبیه بدنی) استفاده می‌شده یا خیر؟

روش آنها همان بود که در جواب ۲ اجمالاً بیان شد؛ لکن ناگفته نماند که روش آنها در حد بالایی از مکارم و بزرگواری‌ها بوده و هست و نه تنها کودک‌آزاری در فرهنگ معصومین سلام‌الله‌علیهم اجمعین وجود نداشته و تحقیقش محال و غیرممکن بوده، چون معصومند، بلکه فکر و خیالش هم در مغز و اندیشه آنان خطور نکرده و نخواهد کرد و چگونه می‌توان اندیشه کودک‌آزاری را به پیامبری نسبت داد که فرزندان دختر خود را در مقابل شخصی مرتب بوسه می‌زد، آن مرد به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) عرض کرد من ده پسر دارم از خودم و هیچ‌گاه آنها را نبوسیده‌ام و شما چگونه است که فرزندان دختر خود را می‌بوسید؟ فرمود من چه ارتباطی با تو دارم که درخت عاطفه و عواطف انسانی از قلب تو ریشه کن شده؛ یعنی در حقیقت بدی‌های تو و کارهای نادرست تو سبب دوری از انسانیت شده و گرنه هرچه انسانیت در شخصی کامل‌تر باشد، علاقه و عاطفه‌اش نسبت به کودکان و فرزندان و مظلومین بی‌دفاع بیشتر و زیاده‌تر خواهد بود، و انبیاء الهی و امامان بعد از آنها «صلوات‌الله‌علیهم اجمعین»، انسان‌های کامل و وارسته‌ای بودند. آیا می‌توان گفت

انبیائی که بزرگان بشریتند و هادیان انسان‌ها چون ابراهیم خلیل و موسی کلیم و عیسی مسیح در اندیشه ایشان کودک‌آزاری می‌گذشته چه برسد به عمل‌شان و آیا می‌توان گفت در اندیشه علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) چنین چیزی گذشته در حالی که او انسانی است که آنچنان با کودکان یتیم در زمان حکومت و قدرتش مهربانی می‌نمود که بزرگانی از دوستان و آشنایانش می‌گفتند ای کاش ما در کودکی یتیم شده بودیم تا مورد این همه مهر و محبت علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) قرار گیریم، او کودکان یتیم را بر دامن خود می‌نشاند و با انگشتان مبارکش با همه قدرتش و داشتن کارهای زیاد به دهان آنها عسل می‌گذاشت و با زبان کودکانه و عواطف انسانی، آنها را تشویق به خوردن عسل می‌نمود و این‌گونه قضایا را اگر در تاریخ چهارده قرن قبل تقریباً بررسی کنیم، به عظمت کار انبیاء و اولیاء و به این‌که آنها خیال کودک‌آزاری هم در مغزشان پدید نمی‌آمد بیشتر باور می‌کنیم و باور می‌نمائیم.

۶- در صورتی که امکان استفاده از روش‌های غیرخشونت‌آمیز برای تربیت طفل وجود داشته باشد، استفاده والدین یا معلمان از خشونت چه حکمی دارد؟

به طور کلی استفاده از خشونت در تربیت کودکان حتی در جاهایی که تربیت جز با خشونت ممکن هم نباشد، چون گناه و منکر و نامشروع است نادرست و غیرجائز است و با گناه نمی‌توان دیگری را تربیت کرد و هیچ‌گاه آتش نمی‌تواند پدید آورنده آب باشد و تاریکی نمی‌تواند وسیله نور و روشنایی باشد و در تمام تعالیم و تربیت‌های اسلامی، گناه نبودن کیفیت تعلیم و تربیت به حکم قطعی و بدیهی عقل و کتاب و سنت، ثابت و مسلم است و اسلامی که دین بزرگواری است نمی‌تواند تعلیم و تربیت خودش را بر خشونت و آزار قرار دهد، چون خلاف بزرگواری اسلام است و خلاف کرامت انسانی کودکان و انسان‌ها «ولقد کرمانا بنی آدم». آری، ناگفته نماند برای جلوگیری از گرفتار شدن کودک به فسادهای اخلاقی و از بین رفتن شخصیت انسانی و یا برای جلوگیری از امثال کشته شدنش به حداقل از خشونت با فرض انحصار طریق برای دفع فاسدتر به فاسد، مانعی ندارد لکن تشخیص موارد، ظریف و دقیق است.

۷- آیا طبق موازین شرع مقدس و قرآن کریم، والدین و کسانی که از کودکان نگاه‌داری می‌کنند، در قبال رفتارهای خشونت‌آمیزی که نسبت به کودکان دارند، مسوول بوده و باید پاسخگو باشند یا این‌که آنها مبری از پاسخگویی در قبال رفتار خود با کودکان هستند؟

آری باید پاسخگو باشند و آزار آنها نسبت به کودکان با آزارشان نسبت به بزرگسالان از نظر مسؤولیت گناه و جزاء و کیفرشان تفاوتی نداشته و ندارد.

۱- قوانین شرع مقدس اسلام و قرآن چه نظری در مورد كودك آزاری دارند؟

نه تنها شرع اسلام و کتاب آسمانی اش قرآن، بلکه هر دینی که به کمال انسانی می اندیشد، از آزار انسان‌ها به ویژه کودکان بیزار است. قوانین اجتماعی اسلام که براساس رأفت انسانی پایه‌گذاری شده است، مسلمانان، پیروان ادیان دیگر و همه انسان‌ها را به مدارا با هم‌نوعان دعوت می‌نماید. همچنین به دلیل آسیب‌پذیری بسیار بالای کودکان و با توجه به این‌که كودك امروز سازنده فردای جامعه می‌باشد، حساسیت‌های ادیان و جوامع بین‌المللی نسبت به این گروه سنی بالاست. ایران اسلامی هم که قوانین خود را براساس تعالیم اسلامی تنظیم نموده، به این مقوله توجه جدی کرده است. به عنوان مثال در ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی فردی که طفلی را در محل خالی از سکنه رها نماید، به حبس محکوم می‌شود. یا قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، اذیت و آزار را مختص شکنجه جسمی ندانسته و شکنجه روحی و روانی و حتی ممانعت از تحصیل کودکان را جرم دانسته است.

مثال دیگر برای توجه جمهوری اسلامی ایران به کودکان کاهش میزان مرگ‌ومیر آنان می‌باشد. به‌گونه‌ای که میزان مرگ‌ومیر اطفال زیر يك سال از ۴۴ نفر در هزار تولد زنده در سال ۱۳۶۸ به ۲۶ نفر در هزار تولد زنده در سال ۱۳۷۶ کاهش یافت که معادل ۴۰/۹ درصد کاهش یافته است.

۲- روش‌های صحیح آموزش و تربیت فرزندان کدام‌اند؟

قرآن و روایات معصومین که مهم‌ترین منابع آموزش‌های مسلمین هستند، به صورت مختلف مستقیم و غیرمستقیم روش‌های آموزش و تربیت فرزندان را می‌آموزند. در اسلام به کرات بر حفظ کرامت انسانی که کودکان نیز شامل آن می‌شوند، تأکید شده است. پیامبر اسلام (ص) در سیره مبارکه خود لزوم توجه به حقوق کودکان و حقی را که آنان بر ذمه پدر و مادر خود دارند، نشان داده است. ارتباط با كودك، تشویق، پرهیز از زیاده‌روی در مهربانی، محبت، عدم سخت‌گیری، عدالت با فرزندان، گرمی داشتن فرزند و از موارد تربیتی اسلام است.

۳- با درنظر گرفتن تأثیرات اجتماعی و روانی كودك آزاری، آیا يك فرد مسلمان می‌تواند با مشاهده یا اطلاع یافتن از كودك آزاری،



آیت‌الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی

زندگی‌نامه

آیت‌الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۱۳ در روستای بهرمان از توابع شهرستان رفسنجان به دنیا آمد. وی در سن ۵ سالگی وارد مکتب‌خانه روستا شد و پس از فراگیری دروس مکتب‌خانه در سن ۱۴ سالگی جهت تحصیل علوم دینی به قم عزیمت نمود. ایشان با همکاری دوستان همفکرشان، نشریه «مکتب تشیع» را در اواخر سال ۱۳۳۸ راه‌اندازی نمودند. ایشان از فعالین و مبارزین سیاسی مخالف نظام شاهنشاهی پهلوی بود. در اواسط سال ۵۷، به همراه یارانش هسته اولیه جامعه روحانیت مبارز را تشکیل داد.

آیت‌الله رفسنجانی یکی از سرشناس‌ترین دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید که در پست‌های متعددی همچون سرپرست موقت وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، امام جمعه موقت تهران، جانشین فرمانده کل قوا در جنگ با عراق، نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع، و دو دوره متوالی ریاست جمهوری انجام وظیفه کرده است. وی هم‌اکنون ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و نایب ریسی مجلس خبرگان را به عهده دارد.

در قبال آن سکوت اختیار کرده و بی تفاوت باشد؟ تکالیف مذهبی مسلمانان در صورت مشاهده بدرفتاری و کودک‌آزاری یا اطلاع یافتن از آن چیست؟

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ایران آمده است کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئول نگهداری و سرپرستی کودکان هستند، مکلفند به محض مشاهده هر نوع کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب به مقامات صالح قضایی اعلام کنند و مراکز قضایی نیز براساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی موظفند با موارد کودک‌آزاری به شدت برخورد کنند.

۴- برای جلوگیری از شیوع کودک‌آزاری در جامعه مسؤولیت افراد در موقعیت‌های مختلف از جمله والدین، کسانی که از کودکان نگهداری می‌کنند، نهادهای مسئول کودکان، رهبران مذهبی، کارکنان بیمارستان‌ها، معلمان، سیاستگذاران و نمایندگان چیست؟

فرهنگ‌سازی مهمترین شرط جلوگیری از کودک‌آزاری است. اما برای مواردی که اتفاق می‌افتد و باعث جریحه‌دار شدن عواطف انسانی می‌گردد، باید برخوردهای قانونی صورت گیرد. اسلام برای هر یک از مراحل یاد شده اعم از خانواده، مراکز نگهداری کودکان، نهادهای مسوول و ... قوانین متقن و خاص خود را برای صیانت از حقوق کودکان دارد و توصیه‌های لازم را نموده است.

۵- رفتار پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین با کودکان برای تربیت آنها به چه صورت بوده است؟ آیا در سیره پیامبر(ص) و ائمه معصومین برای تربیت کودکان از روش‌های خشونت‌آمیز (مانند تنبیه بدنی) استفاده می‌شده یا خیر؟

در رفتار معصومین نه تنها بر مهربانی و محبت نسبت به کودکان تأکید شده است، بلکه به شدت تنبیه را نهی کرده‌اند و در بسیاری از احادیث به روش‌های ایجاد کرامت در کودکان اشاره شده است:

۱- نامیدن کودک به اسامی نیکو

پیامبر اکرم (ص) فرمود: یا علی حق الولد علی الولده ان یحسن اسمہ و ادبه «یا

علی انتخاب اسم خوب و ادب حقی است که هر فرزند به پدر خود دارد.» (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۱۵)

۲- احترام به کودک

در صفحه ۱۲۴ جامع‌الآخبار آمده است: «اذا سُمی الولد اکرموا له وأوسعوا له فی المجالس و لاتقبحو له وجهاً» وقتی که نام فرزندان را می‌برید او را گرامی بدارید و جای نشستن را برای او توسعه دهید و نسبت به او رو ترش نکنید. پیامبر(ص) در این حدیث موضوع احترام فرزندان را به اولیاء گوشزد می‌کند زیرا کودکی که مورد بی‌اعتنایی و توهین دیگران قرار گیرد، دچار حس حقارت و خود کم‌بینی می‌شود. تمام افراد انسان‌ها از توهین و هتک حرمت و زایل شدن شخصیت خود ناراحت می‌شوند، انسان تنها و آرزوی احترام دارد و اگر برای او اهمیتی قایل نشود دچار ناراحتی‌های روانی نظیر حقارت می‌شود و این عارضه در کودکان که عاطفی‌تر و حساس‌تر هستند به شکل بارزتری نمود پیدا می‌کند. نمونه بسیار خوب احترام به کودکان رفتار حضرت علی(ع) با کودکان است که با حضور در خانواده‌های بی‌سرپرست، از کودکان آنها نگهداری می‌کرد و اگر در مسیری کودکی را می‌دید که به خاطر تسلیم بودن، افسرده بود، آن کودک را دلداری می‌داد.

۳- محبت و ترحم به کودکان

نیاز به دوست داشتن از نیازهای روانی کودک است. دوست داشتن یعنی قبول او به عنوان یک انسان ارزشمند نزد والدین، و این قبول داشتن به عزت نفس منجر می‌شود. از جمله اموری که محبت به کودکان را می‌رساند، بوسیدن آنهاست. ترحم به کودکان و انجام وعده، موجب احساس شخصیت در آنان می‌شود. چرا که به او اهمیت داده و برای وعده‌هایی که به او داده شده، اهمیت قایل شدن برای تو را می‌رساند و این مسأله در پرورش عزت نفس او مؤثر است.

۴- عدم تحمیل بیجا به کودک

اگر انتظارات والدین مافوق طاقت کودکان باشد و بر آنان تحمیل شود، عزت نفس آنان کاهش می‌یابد. زیرا در مقابل کاری که خارج از توان اوست دچار شکست شده و به دنبال این شکست عزت نفس او کاهش می‌یابد و باید کودک را به عنوان یک کودک پذیرفت، بر توانایی‌های او ارج نهاد و از آنچه در توان او نیست صرف‌نظر کرد تا او به سرکشی، دروغ و ... که از پیامدهای ذلت نفس است دچار نشود.

۵- عدم تنبیه به خصوص تنبیه بدنی

انسان جایز الخطاست و کودک به دلیل رشد عقلی کافی، نداشتن تجربه و محدود

آنها مبری از پاسخگویی در قبال رفتار خود با کودکان هستند؟

همه والدین مسئول حفظ و نگهداری کودکان خود هستند و مجامع و گروه‌هایی هم که در این مسیر وظایف قانونی برعهده گرفته‌اند، باید به وظایف خویش عمل کنند و نگذارند کودکانی که آنها مسئول آنان هستند، احساس غبن و مظلومیت نمایند.

بودن میزان یادگیری‌هایش دچار خطای بیشتری می‌شود. اسلام با نهی از تنبیه به خصوص تنبیه بدنی راه را برای بروز احساس حقارت می‌بندد.

علی (ع) فرمود: «لا تضربه و اهجره و لاتطل» فرزند را مزن و برای ادب کردنش از او قهر کن ولی مواظب باش قهرت طولانی نشود و زود آشتی کن. (بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴)

البته تشویق از مواردی است که بارها بر آن تأکید شده و آن را مقدم بر همه برنامه‌های تربیتی دانسته که موجب بروز استعدادها و تداوم برنامه‌های خوبی می‌شود که باعث تشویق شده‌اند.

۶- رعایت مساوات و عدم تبعیض بین کودکان

اگر بچه‌ها خلاف این را احساس کنند، یعنی پدر و مادر در بذل توجه، مساوات را رعایت نکنند، از يك طرف موجبات حسادت و کینه را و از طرفی دیگر باعث حقارت و ذلت را فراهم می‌سازند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمود: «اعدادا بین اولادکم كما تحبون ان یعدلوا بینکم فی البر و اللطف» میان فرزندان به عدالت رفتار کنید همانطور که دوست دارید در نیکی و لطف نیز بین شما به عدالت رفتار شود. (محجة البیضاء ج ۲، ص ۶۴)

۷- سلام کردن به کودکان

پیامبر اکرم (ص) خود همیشه به کودکان سلام می‌کرد زیرا این امر موجب ارزش‌گذاری به کودکان و بالا بردن عزت نفس در آنان می‌گردد.

۶ - در صورتی که امکان استفاده از روش‌های غیرخشونت‌آمیز برای تربیت طفل وجود داشته باشد، استفاده والدین یا معلمان از خشونت چه حکمی در دین اسلام دارد؟

در اسلام چنین اجازه‌ای به هیچ‌یک از انسان‌ها داده نشده است که به آزار و اذیت هم نوعان خود، به خصوص کودکان بپردازند. اما گاهی روش‌های تنبیهی برای آگاهی و بیداری آمده است که بیشتر بر انذار تکیه دارد.

۷- آیا طبق موازین شرع مقدس و قرآن کریم، والدین و کسانی که از کودکان نگاه‌داری می‌کنند، در قبال رفتارهای خشونت‌آمیزی که نسبت به کودکان دارند، مسئول بوده و باید پاسخگو باشند یا این که

تعریف کودک آزاری

کودک آزاری طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی عبارت است از: آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند (آقابیکلویی ۱۴:۱۳۸۰)

اما در اصطلاح متخصصین امر هرگونه آسیب جسمی یا روانی و سوءاستفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر ۱۸ سال توسط افراد دیگر، کودک‌آزاری تلقی می‌شود. اگرچه در این تعریف تلاش شده تا همه وجوه و ابعاد آزار کودکان توضیح داده شود، اما در هر حال بسیاری از مفاهیم مندرج در آن ممکن است در بین صاحب‌نظران اختلاف برانگیز باشد.

در واقع تعاریف متعددی از آزار و خشونت با توجه به اهداف و کاربردهای متنوع آن ارائه شده است. چنانچه انجمن روانپزشکی آمریکا در چهارمین دفترچه راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی (۱۹۹۴)، در فصلی تحت عنوان «سایر شرایطی که ممکن است مورد توجه بالینی قرار گیرد» کودک‌آزاری را مشتمل بر آزار جسمی و جنسی، بی‌توجهی به کودک و آزار عاطفی می‌داند (مدنی ۲۰:۱۳۸۳) در هر حال کودک‌آزاری طیف وسیعی از رفتارهای آسیب‌رسان از قبیل عدم برآوردن نیازهای اولیه کودک، غفلت از مراقبت‌های بهداشتی، فقدان رشد کافی، تنبیه و بدرفتاری فیزیکی، سوءاستفاده جنسی و سوءرفتار هیجانی و آزار روانی را شامل می‌شود.

انواع کودک آزاری

الف) کودک‌آزاری جسمی

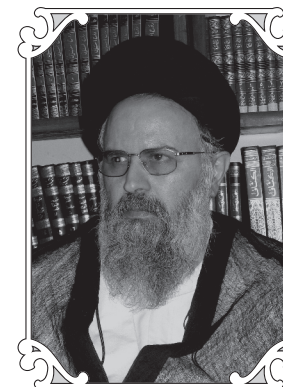
کودک‌آزاری جسمی عبارت است از حمله فیزیکی به کودک به طوری که موجب درد، بریدگی، کبودی، شکستگی استخوان، و سایر جراحات و حتی مرگ کودک گردد.

اشکال مختلف کودک‌آزاری جسمی شامل: شلاق زدن، بستن کودک، کوبیدن به دیوار، سوزاندن با آب جوش یا مایعات داغ و تکان دادن شدید می‌باشد.

اما در تعریف کودک‌آزاری جسمی نیز همانند تعریف خود کودک‌آزاری نظر واحدی وجود ندارد، در واقع تعاریف کودک‌آزاری جسمی عمدتاً تحت تأثیر مسائلی نظیر:

الف: قوانین و مقررات حقوقی مربوط به بزه‌دیدگی اطفال؛

ب: ارزش‌های فرهنگی خصوصاً در زمینه تربیت اطفال و تنبیه و مجازات آنان و استعدادهای زیست‌شناختی قرار می‌گیرد (مدنی ۲۱:۱۳۸۳).



آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی

زندگی‌نامه

آیت‌الله دکتر سید محمد موسوی بجنوردی در سال ۱۳۲۲ در نجف زاده شد. ایشان تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف به انجام رساندند. موسوی بجنوردی دروس جدید و حوزوی را توأماً خواندند. ایشان یکی از شاگردان همیشگی دروس امام خمینی در تمام ۱۴ سال تبعید ایشان به نجف بودند و در این مدت هم‌چنین در مسجد جامع نجف (هندی) رسائل و مکاسب و کفایتین را به زبان عربی برای شیعیان کشورهای عرب زبان تدریس می‌کردند.

آیت‌الله موسوی بجنوردی در سال ۱۳۵۹ به دستور امام خمینی دادگاه عالی قضات را راه‌اندازی کردند. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند. در این شورا بخش مهمی از تدوین قوانین و اصلاحیه‌های مربوط به قانون مدنی و آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی و نظارت مستقیم بر احکام همه دادگاه‌ها بر عهده ایشان بود. آیت‌الله موسوی بجنوردی در حال حاضر به تدریس و تحقیق در دانشگاه‌های مختلف کشور مشغول هستند.

البته در کودک آزاری جسمی برخی خشونت‌های خانوادگی طبیعی قلمداد می‌شود و لذا عده‌ای معتقدند در کودک آزاری جسمی باید جداً این معیارهای پذیرفته شده اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. در این صورت، اگر مقبولیت اجتماعی یک رفتار، ملاک تفکیک آزار یا عدم آزار محسوب شود، باید تعریفی کاملاً نسبی و بومی از کودک آزاری ارائه داده شود.

ب) کودک آزاری جنسی

آزار جنسی، درگیر نمودن کودک در فعالیت‌هایی است که منجر به ارضای جنسی افراد بزرگسال می‌شود. مرکز ملی کودک آزاری، سوءاستفاده جنسی را تماس‌ها یا تعاملات بین کودک و فرد بالغی می‌داند که کودک را به منظور تحریک جنسی مورد استفاده قرار داده است.

ج) کودک آزاری عاطفی

کودک آزاری عاطفی عبارت است از هرگونه رفتار نامناسبی که بر عملکرد رفتاری، شناختی، عاطفی و جسمی کودک تأثیر منفی داشته باشد. آزارهای کلامی و غیرکلامی، سرزنش یا تحقیر، ناسزا گفتن، مسخره کردن، دست انداختن، مقررات و کنترل شدید و نامعقول، ترساندن مکرر کودک از تنبیه سخت بدنی، انتظارات و برخوردهای نامناسب با سن کودک، به خدمت گرفتن کودک در جهت ارضای نیازهای عاطفی خود و پاسخ‌های رفتاری غیرقابل پیش‌بینی والدین که باعث بی‌ثباتی و دگرگونی شناختی کودک می‌شود، همه از مواردی است که می‌توان به عنوان نمونه ذکر کرد.

د) کودک آزاری ناشی از غفلت و مسامحه

غفلت یکی از شایع‌ترین انواع آزار کودکان است که اغلب در خانواده‌های کم درآمد مشاهده می‌شود:

غفلت یا مسامحه عبارت است از عدم فراهم آوردن احتیاجات غذایی، پوششی، مسکن، بهداشت و مراقبت طبی و تحصیلی و سرپرستی طفل توسط والدین یا سرپرست طفل (جلیلی ۱۳۷۴).

به طور کلی، ناتوانی یا غافل ماندن والدین از توجه و رسیدگی به نیازهای هیجانی و عاطفی کودک مسامحه عاطفی نامیده می‌شود.

علل کودک آزاری

کودک آزاری یک مسأله فرهنگی-اجتماعی-پزشکی است که معمولاً چندین عامل

به طور مشترک در بروز آن نقش دارند. عوامل مربوط به کودک آزاری را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد: الف) علل روانی ب) علل خانوادگی ج) علل فرهنگی (آقابیکلویی ۱۳۸۰؛ ۳۲).

الف: علل روانی

اگرچه ممکن است چند کودک در یک خانواده مورد اذیت و آزار واقع شوند ولی گاهی یک کودک بیش از سایرین آزار می‌بیند. خانواده‌های بسیاری وجود دارند که در آنها تنها یک کودک مورد سوءرفتار دیگران قرار گرفته و فرزندان دیگر کمابیش حمایت و محافظت شده‌اند. از این‌رو به نظر می‌رسد احتمالاً برخی ویژگی‌های خاص روانی در کودکان آزار دیده احتمال آزار نسبت به آنان را افزایش می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهد که به طور کلی سه گروه کودکان بیش از سایرین در معرض کودک آزاری قرار می‌گیرند: کودکان غیرطبیعی، کودکان دشوار، کودکان طردشده (مدنی ۱۳۸۳؛ ۸۷).

۱. کودکان غیرطبیعی

کودکانی که به دلیل مشکلات آشکار جسمی و روانی از بدو تولد به مراقبت‌های ویژه از سوی دیگران نیاز دارند. این کودکان به دلیل نارسایی‌های گوناگون، نسبت به کودکان معمولی بیشتر در معرض آزار قرار می‌گیرند. این نارسایی‌ها شامل نارس بودن، وزن پایین هنگام تولد، ناهنجاری‌های مادرزادی، نقایص هیجانی و عاطفی، اختلال در تکلم، تأخیر در رشد و تکامل، نقایص بینایی و شنوایی، عقب‌ماندگی ذهنی، فلج مغزی و بیماری‌های مزمن و... می‌شود.

۲. کودکان دشوار

کودکان دشوار، گروهی از کودکان هستند که از نظر جسمی سالمند اما در بعضی شرایط دشواری‌های خاصی دارند یا والدینشان آنان را غیرطبیعی می‌دانند. بدخلقی، بیش‌فعالی، بی‌اختیاری ادرار یا مدفوع، عادات غذایی نامناسب، ابتلا به بیماری‌های مکرر، تحریک‌پذیری، سازش‌ناپذیری و در بعضی از موارد ظاهر فیزیکی بد (لاغری، یا بدقیافه بودن و...) از ویژگی‌های این کودکان است که در چنین مواردی احتمال کودک آزاری افزایش می‌یابد.

حتی تصور والدین در مورد کودکان بیش‌فعال این است که برای کنترل رفتارهای غیرعادی آنان نیاز است که به صورتی تأدیب شوند. بنابراین، مجازات نمودن طفل برای تعلیم و پرورش او و آموزش و رعایت احترام به بزرگترها الزامی است (جلیلی ۱۳۷۴).

۳. کودکان طرد شده

کودکانی که حاصل حاملگی‌های ناخواسته، نامشروع یا پیش‌بینی نشده والدین هستند و همچنین فرزند خوانده‌ها در زمره کودکان طرد شده قرار دارند. گاهی اوقات با انتظارات و آرزوهای والدین هماهنگ نیستند. مثلاً والدینی که آرزوی تولد پسری را داشتند با نوزاد دختری روبرو می‌شوند. در این هنگام، آنان رؤیاهای خود را بر باد رفته می‌بینند و لذا ارتباط مناسبی بین آنها شکل نمی‌گیرد و همین امر موجبات کودک‌آزاری را فراهم می‌آورد.

ب) علل خانوادگی

خانواده دارای نقش اساسی در بروز کودک‌آزاری است. اکثر آزارها در خانواده از سوی والدین اعمال می‌شود. بنابراین، بررسی عوامل خانوادگی در سبب‌شناسی آزار اهمیت ویژه‌ای دارد. مهمترین این عوامل عبارتند از:

- ۱- فقدان مهارت‌های کافی به عنوان والدین؛
- ۲- شغل والدین؛
- ۳- تحصیلات والدین؛
- ۴- سابقه محکومیت یا سوء‌پیشینه در خانواده؛
- ۵- تک والد بودن خانواده؛
- ۶- وجود تعارض و ارتباطات مختل در خانواده؛
- ۷- سابقه اعتیاد در خانواده؛
- ۸- سابقه بیماری جسمی یا روانی در خانواده؛
- ۹- سابقه طلاق و جدایی در خانواده؛
- ۱۰- انزوای اجتماعی خانواده؛
- ۱۱- جمعیت خانواده.

ج) علل فرهنگی

محیط مساعد یکی از عوامل مهم برای وقوع پدیده کودک‌آزاری است. عوامل فردی و خانوادگی کودک‌آزاری، تنها زمانی فعال می‌شود که شرایط محیطی لازم فراهم شود. والدینی که با کودک بد رفتاری می‌کنند مربوط به طبقه، نژاد یا مکان خاص جغرافیایی نیستند و هر یک از آنان وابسته به مذهب، تحصیلات، شغل و وضعیت اجتماعی خاصی هستند. بنابراین، کودک‌آزاری در تمامی گروه‌های اجتماعی قابل رؤیت است، اما بیشتر از نظر اجتماعی - اقتصادی در طبقات متوسط و پایین جامعه دیده می‌شود.

حرمت اذیت و آزار کودک از دیدگاه اسلام

خسونت و آزار و به طور کلی به کارگیری روش‌هایی که به ضرر جسمی و مالی دیگران منجر می‌شود، اعمال روش‌های خشن خصوصاً در رابطه با مسائل تربیتی و در رابطه با انسان‌هایی که خداوند به آنان شخصیت و کرامت عطا فرموده از نظر اسلام - جز در مواردی که خداوند متعال و شریعت مقدس اسلام در مبارزه با کفر و شرکت و دفع ظلم از مظلومین تجویز کرده - ممنوع است. خشم و قهر تنها می‌بایست برای خدا و رضای او صورت گیرد. شرع مقدس انسان‌ها را در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی به عدالت دعوت می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). عدالت در گفتار و رفتار و قضاوت، عدالت در خانواده، عدالت در اقتصاد و

ظلم و ستم و آزار رساندن به دیگران از هدایت ناصحیح ناشی می‌شود و معمولاً بر مبانی جهل، ترس، نیاز، کمبود و خباثت درونی افراد استوار است. از دیدگاه قرآن ظلم و ستم و آزار رساندن به دیگران محکوم است و لذا بایستی به هر وسیله‌ای جلوی آن گرفته شود. چنانکه در قرآن می‌خوانیم: «وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۱۰۸). همچنین، بنابر مبانی اصیل اسلام، ظالم نسبت به مال و جان و عرض و ناموس خود یا دیگران، مجرم است و خداوند از مجرمین انتقام می‌گیرد، «إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ» (سجده: ۲۲).

اسلام دستور می‌دهد که می‌بایست در مقابله با ظلم و تعدی و رفع آن مقابله به مثل کرد: «فَمَنْ اَعْتَدِي عَلَيْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدِي عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ» (بقره: ۱۹۴).

در روایات و احادیث فراوانی شکنجه و آزار رساندن به مردم نهی و وعده عذاب خداوند به ضارب و عامل آن داده شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «لو أن رجلاً ضرب رجلاً سوطاً لضربه الله سوطاً من نار» (حر عاملی ج ۱۹: ۱۲). اگر کسی دیگری را تازیانه بزند خداوند او را با تازیانه‌ای از آتش خواهد زد.

حال با توجه به این توضیحات به ذکر حرمت کودک‌آزاری در قرآن و سنت می‌پردازیم:

الف) کودک‌آزاری از دیدگاه قرآن

از جمله آیاتی که به این امر اشاره دارد، می‌توان به آیه زیر استناد کرد که خداوند

تعلیم و تربیت از دیدگاه فقهی

با مطالعه آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان دینی در می‌یابیم که اسلام برای مسأله تعلیم و تربیت اهمیت خاصی قائل است. به طوری که قرآن سرلوحه برنامه‌های پیامبران، خصوصاً پیامبر اکرم (ص)، را تربیت انسان (تزکیه) معرفی می‌کند و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ... وَ يُزَكِّيهِمْ وَ...» (جمعه: ۲). و رسول گرامی اسلام (ص) نیز هدف رسالت خویش را تتمیم مکارم اخلاق ذکر می‌کند: «آتی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (قمی ۱۳۷۴: ۴۱۰). بدون هیچ شکی، نتیجه اخلاق، پرورش و رشد همه‌جانبه آحاد ملت اسلامی است.

واژه «تزکیه» از ماده «زکی» و در لغت به معنی افزایش و نمو است. در حالی که در اصطلاح به معنی تهذیب نفس استعمال می‌شود. این بدان جهت است که تهذیب نفس، موجب رشد و کمال و نمو روح انسان می‌گردد.

واژه تربیت از ریشه «ربو» به معنای افزایش و نمو است (اصطلاح ربا نیز که در مسایلی اقتصادی به کار می‌رود از همین ریشه و مقوله است و آن معامله‌ای است که موجب رشد و افزایش کاذب و حرام پول می‌گردد). بنابراین، واژه‌های «تزکیه» و «تربیت» از نظر معنا مشابهت و نزدیکی دارند. در قرآن کریم بیشتر کلمه تزکیه استفاده شده است و آن هم صرفاً ناظر به مواردی است که جنبه پرورش روحی مدنظر است.^۱ ولی واژه تربیت هم در مورد جنبه‌های جسمی و هم جنبه‌های روحی به کار رفته است.

قرآن کریم در مورد تربیت اطفال در داستان لقمان حکیم از «موعظه» لقمان نسبت به فرزند خود یاد می‌کند و از این موضوع استفاده می‌شود که موعظه (نصیحت، پند، اندرز) از برنامه‌های تربیتی لقمان حکیم بوده که قرآن به آن اشاره نموده است.^۲ این امر اگرچه در قالب داستان بیان شده اما بدون شك مشعر بر آن است که قرآن کریم از زبان لقمان حقیقتی را در مقام اثبات بیان می‌کند و این نشانه آن است که امر تربیت فرزند از نظر قرآن از مسائل مهم به شمار می‌رود. یا آنجا که در قالب توصیه به اهل ایمان امر به مواظبت از «خانواده» می‌کند،^۳ حکایت از آن دارد که تربیت خانواده و به خصوص فرزندان باید مورد توجه باشد. از طرف دیگر، توجه فرزندان به والدین نیز از اهمیت برخوردار است.

چنانچه در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا...» (اسراء: ۲۴).

متعال می‌فرماید: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهِ» (بقره: ۲۳۳). بدین معنا که مادر فرزند خود را - در اثر غیظی که از پدر فرزند دارد - از شیر دادن رها نکند، زیرا شفقت و مهربانی مادر نسبت به فرزند بیش از زن اجنبی است. به این دلیل نباید نوزاد در اختیار زن اجنبی دیگر قرار گیرد. همچنین، پدر - به جهت ضرر رساندن به مادر - نوزاد را از مادر نگیرد، چون نتیجه این عمل ضرر به نوزاد است.

در مجموع، آیه شریفه دلالت بر این معنا دارد که مادر و پدر ضرر و آزاری به فرزند خود نرسانند. از این آیه شریفه می‌توان دلالت واضح و روشنی را نسبت به حرمت کودک‌آزاری دریافت کرد.

همان‌گونه که بیان شد در این آیه پدران و مادران هم از ضرر رساندن به فرزندانشان نهی شده‌اند و هم از ضرر رساندن به یکدیگر. به هر حال، از این آیه استنباط می‌شود که ضرر رساندن والدین به فرزندان حرام است.

ب) سنّت

در خصوص نهی و حرمت کودک‌آزاری روایات متعددی وجود دارد که به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود. رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند:

فی وصیة النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیّ علیه‌السلام یا علیّ: لعن الله والدین حُملاً وُلدَهُما علی عقوقَهما (حر عاملی ج ۵: ۱۱۵).

لعن الهی و دوری از فیض خداوند بر پدر و مادری باد که فرزند خویش را به عصیان و آزار خودشان وادارند و باعث قطع رابطه محبت شوند.

همچنین حضرت می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ» (طبرسی ج ۷: ۶۲۵): فرزندان خود را احترام کنید و با آنان مؤدب برخورد نمایید.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان به حدود توانایی والدین اکتفا نمود، و به همین امر که اطفال مهمل بار نیایند بسنده کرد؟ پاسخی که می‌توان به پرسش فوق داد این است که در مورد تربیت اطفال دو موضوع از هم قابل تفکیک است: یکی «امکانات و توان والدین» و حتی جامعه، و دیگری «قابلیت طفل».

قانون‌گذار با وضع قانون فوق‌الذکر، در مقام تعیین تکلیف برای والدین بوده است، نه قابلیت طفل. بدیهی است که هر تکلیفی تنها در حدود توانایی مکلف از او خواسته می‌شود. البته مطلوب آن بود که در کنار این امر، مقنن به قابلیت طفل هم توجه می‌نمود. به خصوص به کودکانی که به دلایلی «ویژه» محسوب می‌شوند: یا به خاطر نبوغ بیش از حد، یا به دلیل نقص عضو و ...

۱. به عنوان نمونه می‌توان به آیات: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی: ۱۴) و «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا» (شمس: ۱-۹) اشاره کرد.

۲. در برخوردی که بعد از فرار حضرت موسی (ع) و مراجعت دوباره وی با فرعون صورت می‌گیرد، قرآن از زبان فرعون خطاب به حضرت موسی (ع) چنین نقل می‌کند: «أَلَمْ نُزَكِّكْ فِئْتَانًا لِيَدْ أُولَئِكَ (شعرا: ۱۸): آیا در دوران کودکی ما تو را در میان خود پرورش ندادیم».

۳. «وَ إِذْ قَالَ لِقْمَانَ لِابْنِهِ وَهُوَ يُعَمِّقُهُ» (لقمان: ۱۳).

۴. همانند ترمذی: «قُوْا أَلْفَسْكُمْ وَأَهْلِيكُمْ».

این آیه در مورد فرزندان است که باید در حق پدر و مادر خود دعا کنند و بگویند: پروردگارا آن دو را مسمول رحمت خود قرار ده آنچنان که آنان مرا در خُردی و کودکی تربیت کردند. مشخص است که علت فرمان به دعای فرزند به دلیل تربیت پدر و مادر بوده است. بر همین اساس مولای متقیان حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خَيْرٌ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ الْإِبْنَاءُ الْأَدَبُ» (الآمدی ج ۱: ۳۹۳) یعنی بهترین چیزی که پدران برای فرزندان خویش به ارث باقی می‌گذارند، ادب است.

روش تربیتی اسلام

پیشوایان گرامی اسلام، در تربیت و هدایت افراد به فراخور موقعیت و شرایط خاص خود آنان، از روش‌های متعددی بهره گرفتند. گاه با محبت، گاه با قهر، و زمانی با عفو و اغماض، پیروان و دوستانشان را هدایت و منحرفین را به مسیر صحیح و راه راست ارشاد می‌نمودند. عمل و روش این اولیای بزرگ در حقیقت روش‌های اجرایی تربیتی برای پیروان آنهاست. اما بدون تردید اساس تربیت اسلامی، بر آزادی فکر و روش تربیتی آن مبتنی بر تکریم شخصیت انسان، به خصوص اطفال، می‌باشد. والدینی که علاقه دارند فرزندان با شخصیت مطلوب پرورش دهند لازم است از دوران کودکی به او توجه کنند و این خوی پسندیده را از ابتدا در آنان احیا کنند. شخصیت، استقلال اراده، اعتماد به نفس و همچنین زبونی، فرومایگی، عدم اعتماد به نفس از صفاتی است که اساس آن در دامن پدر و مادر پی‌ریزی می‌شود. لذا احترام به کودک و حسن معاشرت پدر و مادر با وی یکی از اساسی‌ترین عوامل ایجاد شخصیت در کودک است.

اگر وضعیتی پیش آمد که یکی از والدین تنبیه طفل را لازم دانست؛ باید تنبیهی در نظر گرفته شود که با روحیه طفل سازگار باشد (از قبیل سرزنش، بازداشت، کتک و امثال آن) و طفل را از تکرار رفتار ناپسند باز دارد. همچنین براساس ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی مقرر گردیده است:

ابوین مکلف هستند در حدود و توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند.

«تربیت فرزند همان‌طور که از ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی بر می‌آید تکلیف پدر و مادر است اما آنها در عین حال که حق انتخاب شیوه تربیت فرزند خود را دارند، مکلفند او را چنان تربیت کنند که مهمل نماند و استعدادهايش به هدر نرود. جمع کردن این دو قاعده آسان نیست، زیرا گاه سلوک پدر و مادر به بهبودی فرزند می‌انجامد و در تفسیر معنی «مهمل» اختلاف می‌شود. در مقام تزاخم حق و تکلیف پدر و

مادر باید مصلحت طفل، یعنی تکلیف آنان را مقدم دانست، حق ابوین محدود به تکلیف آنان است و تا جایی احترام دارد که مخالف با وظایف قانونی و نوعی پدران و مادران نباشد».

با وجود این‌که تربیت کودکان و نوجوانان اهمیت خاصی دارد و لازم است حدود آن مشخص باشد، قانون مدنی حدود و ضوابطی برای آنان تعیین نکرده است. ولی با توجه به مفاد ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی مسلم است که تربیت باید بر حسب زمان و مکان به نحوی باشد که تربیت طفل مهمل نماند، تکلیف ابوین در این زمینه محدود به توانایی مالی و فکری آنان است.

تنبیه و تأدیب کودک از دیدگاه اسلام

گفته شد که به اعتقاد برخی صاحب نظران تعلیم و تربیت، تنبیه از عوامل و محرک‌های مؤثری است که در کنار تشویق برای اصلاح و بازسازی در مورد طفل به کار می‌رود و هدف آن ساختن و پروردن اوست.

در تنبیه اصل بر آگاه کردن است، خواه به صورت تذکر، اخطار و انذار باشد و خواه در صورت عدم تأثیر اشکال اولی، به صورت کتک و ضرب و شتم. بدیهی است که در صورت اخیر جنبه عدل و انصاف و نیز حدود آن و مهم‌تر میزان آن مورد نظر خواهد بود.

با مطالعه اجمالی کتاب روایی و تربیتی اسلامی، به خوبی روشن می‌شود که در اسلام برای کنترل و ارشاد افراد، صرفاً به موعظه و نصیحت و تشویق اکتفا نشده، بلکه در کنار محرک‌های تشویقی علاوه بر تنبیهات تربیتی (در اکثر موارد)، به تنبیهات بدنی نیز اشاره شده است. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت، وقتی نصایح و موعظه مفید واقع نشد، به منظور جلوگیری از انحراف و هشدار، می‌توان از عوامل تنبیه و حتی مجازات استفاده کرد.

در تعالیم اسلامی، مسأله تنبیه و مجازات به عنوان يك اصل حیاتی و ضروری به طور اجمال پذیرفته شده است. منتهی برای هر جرم و انحراف و رفتار غیرانسانی، تنبیه و مجازاتی مناسب ارائه شده است. کیفر قتل، قصاص قاتل و مجازات سرقت، قطع ید سارق و عقوبت شرب خمر، زدن تازیانه به میخواره است (شکوهی یکتا ۱۳۶۳: ۱۶۵).

البته لازم است ذکر گردد که از ظاهر و روح دستورات اسلامی استفاده می‌شود که در کلیه موارد و بدون هیچ تردیدی، تنبیهات تربیتی و ارشادی بر تنبیهات مادی و بدنی برتری دارد. علی‌الاصول، اگر منظور از تنبیه، آگاه کردن فرد به نکات انحرافی و اشتباهاتش باشد، طوری که دیگر آن را تکرار نکنند، این امر در اسلام پذیرفته

و مورد تأیید است، و اگر منظور ضرب و شتم بی حساب باشد آن هم بدان گونه که شخصیت طفل و فرد را منکوب نماید، در تربیت اسلامی وجود ندارد. حضرت علی (ع) در این زمینه می فرماید: «أَنَّ الْعَاقِلَ تَعِظُ بِالْأَدَبِ وَ الْبِهَائِمَ لَا تَعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ» (الآمدی ج ۱: ۲۳۶): به راستی که عاقل با پند و اندرز ادب و تربیت می شود ولی حیوانات جز با زدن تربیت نمی شوند.

در تنبیه اسلامی، اصالت با آگاه کردن و راهنمایی طفل است، نه ضرب و شتم و کتک و شلاق. در تربیت اسلامی تنبیه بدنی امری غیرقابل اجتناب نیست، بلکه وسیله‌ای کمکی و دست دوم و به هنگامی رواست که دیگر ابزار تربیتی از موعظه انذار و ارشاد و تذکر نتواند راهگشای طفل به سوی خیر باشند (قائمی: ۲۶۰).

با بیان مطلب فوق، روشن شد که اسلام، مطلقاً منکر تنبیه به صورت ضرب و شتم نیست، و در مواردی با رعایت شرایطی، حتی سخن از کتک زدن طفل هم دارد. مثلاً در موضوع نماز، یا هنگامی که طفل به زشتی گناهی آگاه باشد و عمداً مرتکب آن شود، یا در ارتکاب بعضی از گناهان کبیره و در مسائل کیفری. درست است که برای فرد نابالغ حد جاری نمی شود ولی تعزیر و ضرب کمتر از اندازه حد وجود دارد. در این باره می توان به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) اشاره نمود که می فرماید:

کودکانتان را در شش سالگی به نماز وادار کنید و اگر پند و اندرز شما مؤثر نیفتاد، در سن هفت سالگی می توانید با تنبیه بدنی، آنها را به نماز خواندن وادار کنید (طبرسی ج ۱: ۱۷۱).

همچنین، در خصوص سرقت آگاهانه، در ایراد ضرب و جرح عمدی یا بعضی از اعمال ناشایست، اسلام طفل ممیز را به خود وائمی گذارد. در این خصوص می توان به ماده ۱۱۳ قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۷۰ اشاره کرده که در خصوص لواط مقرر می دارد: «هرگاه نابالغی، نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود». ماده ۱۴۷ همان قانون نیز مقرر داشته است: «هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تأدیب می شود».

پر واضح است، تنبیه به هرگونه‌ای که اجرا شود در طفل تأثیر دارد، خواه مطلوب و خواه نامطلوب. اثر مطلوب آن زمانی است که توأم با خشونت و بی رحمی نباشد، بلکه جنبه عدالت خواهی او را اقناع نماید. ولی به هنگامی نامطلوب است که توأم با قساوت، تصفیه حساب های قبلی، یا خالی کردن عقده خود و در حقیقت ناعادلانه و ظالمانه و به عبارت بهتر خارج از حد میزان عرفی باشد. چه بسا ممکن است به جای تنبیه، خود والدین مرتکب خطا و حتی جرم نیز بشوند. البته باید توجه داشت که تأدیب کودکان گاهی از نظر تربیتی و اخلاقی مطرح

می شود و گاهی نیز در رابطه با مجازات (تنبیه) برای ارتکاب جرم می باشد. در این مباحث ابتدا به تنبیه کودکان از لحاظ تربیتی در اسلام اشاره می شود و سپس به تأدیب آنها از لحاظ مجازات و میزان آن اشاره خواهد شد.

الف) تأدیب کودکان از لحاظ تربیتی

مسئله تربیت کودکان در دین مبین اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توجه به تعلیم و تربیت کودکان به طور گسترده‌ای در احادیث و روایات مورد اشاره قرار گرفته است. زیرا در اسلام به این نکته تأکید شده است که افراد با فطرت پاک و سالم به دنیا می آیند. در حدیث شریف آمده است: «کل مولود یولد علی الفطرة» به این معنا که هر نوزادی بر فطرت پاک متولد می شود و اگر از همان اوان کودکی مورد تربیت اسلامی قرار گیرد و از آلودگی ها دور نگاه داشته شود یقیناً در آینده نیز از انحراف مصون خواهند ماند.

در اسلام در مورد انتخاب همسر، مراقبت در دوران حمل و نحوه تربیت کودکان در سنین اولیه زندگی سفارشات و دستورات مفید و متعددی از قرآن کریم و معصومین علیهم السلام و بزرگان دین رسیده است (شکوهی یکتا ۱۳۶۳: ۱۷).

اسلام به تمام جنبه های تربیت کودکان توجه کرده و تدابیر مثبتی را برای اصلاح و تربیت جسمی و روانی آنها مقرر فرموده است. همچنین، برای مواقعی که کودکان دچار خطا شده و اعمال ناصالح مرتکب می شوند تدابیری در نظر گرفته و مقررات مربوط به آن را نیز مقرر فرموده است که در چهار مرحله قابل اجراست:

مرحله اول: در این مرحله از پند و اندرز و نصیحت استفاده می شود که اگر به شیوه صحیح و با روش تربیت اسلامی انجام گیرد، در اغلب کودکان مؤثر خواهد بود و در اصلاح و بازسازی شخصیتی آنان تأثیر خواهد داشت.

مرحله دوم: تذکر و اخطار و سپس تهدید است. در این مرحله باید جدی تر با کودکان برخورد کرد و باید عواقب اعمال خلاف آنان را گوشزد نمود. معمولاً کودکان در مقابل تهدید، برخورد انفعالی داشته و اغلب متنبه می شوند.

مرحله سوم: مرحله ملامت و محروم کردن است. در این مرحله کودکان نتیجه اعمال خلاف خود را به طریق محروم شدن از مزایایی درک کرده و در این مرحله قادر به درک اهمیت افعال خود هستند و رابطه ارتکاب عمل خلاف و محروم شدن را می فهمند.

مرحله چهارم: تنبیه کودکان است. مواردی پیش می آید که هیچ کدام از مراحل

قبل و تدابیر گذشته مؤثر نمی‌افتد. در اینجا والدین باید ضرورتاً از تنبیه استفاده کنند. زیرا خانواده، مرکزی برای آموزش مقررات و ضوابط است.

کودکان در خانواده به علت مهر و علاقه افراطی والدین، خود را آزاد می‌بینند و دست به هر کاری می‌زنند و احساسات خود را به هرگونه‌ای که تشخیص دهند ابراز می‌کنند. والدین باید این احساسات را تحت کنترل درآورند و اعمال قدرت والدین برای حفظ مقررات و منضبط بار آوردن کودکان امری اساسی و ضروری است و باید به صورت منطقی و عادلانه و با هدف اصلاح انجام پذیرد.

تنبیه کار دشواری است و باید براساس اصول و ضوابط باشد که دارای اثرات مثبت و پابرجا باشد. در کشور ما تنبیه کودکان امری معمول و رایج است، اما در عمل می‌بینیم که نتیجه مطلوبی ندارد. علت اصلی این است که از این روش در موقع مناسب استفاده نمی‌شود و بدون اعمال روش‌های اولیه بی‌دلیل به تنبیه کودکان اقدام می‌گردد.

در رابطه با تنبیه رعایت حدود و عدم زیاده‌روی در آن و توجه به هدف اصلاح، به کارگیری این شیوه را دشواری می‌سازد. لذا اولیا باید به ضوابط و معیارهای آن کاملاً توجه داشته باشند. (قائمی ۱۳۶۸: ۳۰۹، ۳۰۸).

در دین مبین اسلام از تأدیب به کیفیتی که دیه به آن متعلق بگیرد، نهی شده است و به نظر فقهای شیعه دیه، حتی به سرخ شدن بدن تعلق می‌گیرد.

بنابراین چنانچه والدین یا اولیا و مربیان، کودک را به گونه‌ای تنبیه کنند که صورتش سرخ شود، باید یک مثقال و نیم شرعی و اگر کبود شود ۳ مثقال و اگر سیاه شود ۶ مثقال طلا دیه بپردازند و اگر جای دیگر بدن کودک را به واسطه زدن سرخ یا کبود یا سیاه کنند نصف مقدار طلایی که گفته شد باید پرداخته شود و این حکم فقهی حتی در مورد بزرگسالان نیز صادق است (حرعاملی ج ۱۹: ۲۹۵).

بنابراین رعایت موازین در این باره مشکل است:

سهل‌انگاری در تربیت و تهذیب کودکان و نوجوانان موجب تشویق آنان به ادامه بزهکاری می‌شود و این خطر بزرگی است به‌ویژه این‌که اگر جلوی تبهکاری آنان گرفته نشود به هنگام بلوغ دیگر نمی‌شود کاری کرد. دردنیای امروز، بخشی از جرم مربوط به کودکان است و اگر از فقدان مسؤولیت جنایی خود آگاه شوند و بدانند که از نظر قانون و شرع، کیفری برای جرم آنان نیست دیگر هیچ نیرویی نمی‌تواند جلوی گمراهی و کجروی آنان را بگیرد. بنابراین بهترین راه معالجه آنان اجرای تعزیرات اسلامی درباره آنان است (فیض ج ۱: ۲۶۱).

ب) میزان مجازات

تأدیب و مجازات کودکان در اسلام براساس درجه مسؤولیت آنان می‌باشد. معیار

دارا بودن مسؤولیت کامل هم بلوغ است. به همین دلیل کودکان که اشخاصی غیربالغ می‌باشند از مسؤولیت کامل مبری بوده و به تبع آن از مجازات نیز معاف می‌باشند.

احادیث و روایات متعددی در این باره وارد شده است که اشاره به همین معنا داشته و کودکان را از مجازات معاف می‌دارد و آنان را مشمول اقامه حدود نمی‌داند. چنانچه در وسائل الشیعه می‌خوانیم: حمزة بن حمران از امام صادق (ع) پرسید:

متی یجب علی الغلام أن یؤخذ بالحدود التامة و یقام و یؤخذ به، فقال: فلذلك حدّ یعرف، قال: ذلك اذا احتلم او بلغ خمس عشرة سنة أو أشعر أو أنبت قبل ذلك أقیمت علیه الحدود و اخذ بها و اخذت له... (حرعاملی ج ۳۰۱).

چه زمانی بر کودک حدّ کامل زده می‌شود و حدود بر او اقامه می‌گردد؟ امام (ع) فرمودند: هنگامی که از یتیم خارج شود و درک نماید. پرسید: حدّ آن چه زمانی شناخته می‌شود؟ امام (ع) فرمودند: هنگامی که محتلم شود یا به پانزده سالگی بالغ گردد یا مو در بدن او برود، حدود بر او جاری می‌شود حال یا به نفعش باشد یا به ضررش.

والحمد لله رب العالمین

منابع

- قرآن کریم
- آقابیگلو، عباس، سیدکاظم رسول‌زاده طباطبایی، حسن موسوی چلک (۱۳۸۰).
- کودک‌آزاری، چاپ اول، تهران: انتشارات آوند دانش.
- آلّمدی، عبدالواحد، غرالحکم
- جلیلی، بهروز. (۱۳۷۴). «آیا زمان مرگ فرا نرسیده است؟». ششمین همایش بیماری‌های کودکان
- حرعاملی، محمدبن‌الحسن. وسائل‌الشیعه.
- شکوهی یکتا، محسن (۱۳۶۳)، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: نشر آموزش و پرورش.
- طبرسی، حاج میرزا حسن نوری، مستدرک‌الوسائل.
- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق.
- قائمی، علی (۱۳۶۸). تربیت و بازسازی کودکان، تهران: نشر امیری.
- خانواده و تربیت کودک.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۴)، سفینه‌البحار، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مدنی، سعید (۱۳۸۳). کودک‌آزاری در ایران. چاپ اول، تهران: نشر اکنون.

۱- قوانین شرع مقدس اسلام و قرآن چه نظری در مورد کودک‌آزاری دارند؟

از نظر موازین اسلامی آزار دیگران به طور کلی حرام است. آزار می‌تواند مادی و فیزیکی مانند ضرب باشد و یا معنوی مانند هتک حیثیت و توهین. به هر حال هرگونه عملی که منافی با کرامت بشری باشد از نظر موازین اسلامی مردود است. آزار کودکان مصداق اعلای این حکم است؛ زیرا کودکان قدرت دفاع از خود را ندارند و از این جهت تعدی به آنان گناه کبیره محسوب می‌شود. دلایل این حکم آیات صریح قرآن در مورد حرمت ظلم و نیز روایات منقول از اهل بیت (ع) در خصوص تحریم ایذاء است.

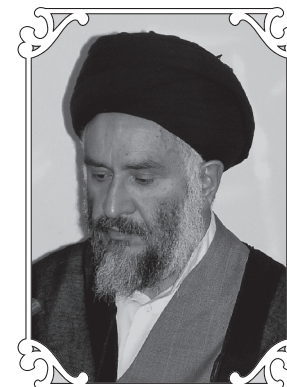
۲- روش‌های صحیح تربیت فرزندان کدام‌هاست؟

مستفاد از نصوص اسلامی این است که روش صحیح تربیت کودکان عبارت است از: الف - نصیحت و ارشاد: قرآن مجید از قول لقمان به فرزندش می‌گوید: یا بنی لاتشرك بالله انّ الشرك لظلم عظیم. «فرزندم! به خدا شرك نوز، بی‌تردید شرك ستمی بزرگ است» (سوره لقمان آیه ۱۳) هم‌چنین امیرالمومنین (ع) به فرزندش نصیحتی سازنده می‌کنند. «نهج‌البلاغه - توصیه امیرالمومنین به فرزندش امام حسن (ع)»

ب - دعای خیر برای فرزندان: در سوره فرقان از قول عبادالرحمن می‌فرماید: ربنا هب لنا من أزواجنا و ذریاتنا قرّة أعین واجعلنا للمتقین إماما أپروردگارا! ما را از سوی همسران و فرزندانمان خوشدلی و خوشحالی بخش، و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده! (سوره فرقان آیه ۷۴).

ج - تأمین موجبات تربیت: مانند دور کردن آنان از محیط‌های فاسد و اسکان دادن آنان در محیط‌های سالم. قرآن مجید در سوره نساء برکسانی که در محیط‌های فاسد محصور می‌شوند، مهاجرت و ترك آن محیط را لازم دانسته است. (سوره نساء آیه ۹۷)

۳- با در نظر گرفتن تاثیرات اجتماعی و روانی کودک‌آزاری، آیا یک فرد مسلمان می‌تواند با مشاهده یا اطلاع یافتن از کودک‌آزاری در قبال آن سکوت اختیار کرده و بی‌تفاوت باشد؟ تکالیف مذهبی



آیت‌الله سید مصطفی محقق داماد

زندگی‌نامه

آیت‌الله دکتر سید مصطفی محقق داماد (احمدآبادی) در سال ۱۳۲۴ در شهر قم به دنیا آمدند. ایشان علاوه بر تحصیل در حوزه و فراگیری علوم اسلامی و کسب درجه اجتهاد، در دانشگاه تهران مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را به ترتیب در رشته‌های فلسفه اسلامی و فقه اسلامی سپری کرده و سپس دکتری خود را از دانشگاه لوندون - لانو بلژیک در رشته حقوق بین‌الملل اخذ کردند.

ایشان در کنار کار تدریس، مدیریت دپارتمان مطالعات اسلامی آکادمی علوم و ریاست دپارتمان حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات کتاب‌های دانشگاهی رشته علوم انسانی را نیز بر عهده دارند.

دکتر محقق داماد در حال حاضر در دانشگاه‌های مختلف کشور مشغول به تدریس هستند که از آن جمله می‌توان به دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه مفید و مدرسه عالی شهید مطهری اشاره کرد.

مسلمانان در صورت مشاهده بدرفتاری و کودک‌آزاری یا اطلاع یافتن از آن چیست؟

به موجب ادله امر به معروف و نهی از منکر بر هر مسلمان واجب است که در چنین مواردی از طریق تذکر و در غیر این صورت از طرق قانونی برای منع آن اقدام نماید.

۴- برای جلوگیری از شیوع کودک‌آزاری در جامعه مسوولیت افراد در موقعیت‌های مختلف از جمله والدین، کسانی که از کودکان نگهداری می‌کنند، نهادهای مسوول کودکان، رهبران مذهبی، کارکنان بیمارستان‌ها، معلمان، سیاستگذاران و نمایندگان چیست؟

مسئولیت افراد نامبرده فوق یکسان نیست، هرچند که مسوولیت عام است. از نظر موازین شرعی همه مکلف به حفظ جان دیگرانند، ولی مسوولیت دولتمردان و دست‌اندرکاران اجرائی و تقنینی در چارچوب حقوق عمومی است.

۵- رفتار پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین با کودکان برای تربیت آنها به چه صورت بوده است؟ آیا در سیره پیامبر و ائمه معصومین برای تربیت کودکان از روش‌های خشونت‌آمیز (مانند تنبیه بدنی) استفاده می‌شده یا خیر؟

تنبیه بدنی در سیره ائمه (ع) وجود نداشته است. شیوه آنان همان بوده که در جواب سؤال دوم گفته شد.

۶- در صورتی که امکان استفاده از روش‌های غیرخشونت‌آمیز برای تربیت و تنبیه طفل وجود داشته باشد، استفاده والدین یا معلمان از خشونت چه حکمی دارد؟

استفاده از خشونت در فرض وجود راه‌های مسالمت‌آمیز ممنوع و شرعاً حرام است.

۷- آیا طبق موازین شرع مقدس و قرآن کریم، والدین و کسانی که از کودکان نگهداری می‌کنند، در قبال رفتارهای خشونت‌آمیزی که نسبت به کودکان دارند، مسوول بوده و باید پاسخگو باشند یا این که آنها مبری از پاسخگویی در قبال رفتار خود با کودکان هستند؟

اعمال خشونت در فرضی که راه‌های غیر آن ممکن نباشد فقط در حدی مجاز است که موجب تعذیب جسمانی نباشد و چنانچه والدین فرزندانشان را بزنند به گونه‌ای که بدن کودکان در اثر ضرب کبود و یا قرمز گردد عملی حرام مرتکب شده‌اند و به پرداخت دیه محکوم می‌باشند.

۱- قوانین شرع مقدس اسلام و قرآن چه نظری در مورد كودك آزاری دارند؟

از نظر اسلام آزار كودكان شرعاً و عقلاً مجاز نیست. نه آزار جسمی و نه آزار جنسی و نه آزار روحی و تحقیر آنان از طرف پدران و مادرانی که عهده‌دار تربیت فرزندان هستند. والدین در تمام مراحل زندگانی كودك باید ناظر مصالح جسم و جان او باشند و هر دو را به موازات یکدیگر مورد توجه دقیق و پرورش صحیح قرار دهند. كودك‌آزاری يك نوع جنایت است و شرعاً و عقلاً مجازات دارد و در این زمینه قوانینی باید تصویب شود که برای كودك‌آزاری مجازات‌هایی در نظر گرفته شود. از رهبران دینی سفارش‌های بسیاری شده است که پدران و مادران باید نسبت به فرزندان خود محبت ورزند و به آنان دوستی داشته باشند نه این‌که آنان را بیازارند.

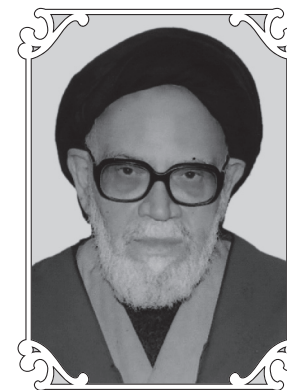
۲- روش‌های صحیح تربیت فرزندان کدام‌هاست؟

آشنائی به تحقیقات دینی، عادت به انجام فرائض و واجبات مذهبی، پرورش راستگویی در كودك، احترام به شخصیت كودك، سلام كردن به كودك، پاسخ به سلام كودك، بازی با كودك، مسرور كردن كودك، پی بردن به روحیه كودك، دلجویی از فرزندان یتیم و بی‌سرپرست.

۳- با در نظر گرفتن تاثیرات اجتماعی و روانی كودك‌آزاری، آیا يك فرد مسلمان می‌تواند با مشاهده یا اطلاع یافتن از كودك‌آزاری در قبال آن سكوت اختیار کرده و بی‌تفاوت باشد؟ تكالیف مذهبی مسلمانان در صورت مشاهده بدرفتاری و كودك‌آزاری یا اطلاع یافتن از آن چیست؟

هیچ مسلمانی نباید در برابر كودك‌آزاری بی‌تفاوت باشد و از باب نهی از منکر موظف است جلوی كودك‌آزاری را به هر نحوی باشد بگیرد، حتی اگر از طریق مراجعه به دستگاه‌های قضائی باشد.

۴- برای جلوگیری از شیوع كودك‌آزاری در جامعه مسؤلیت افراد در موقعیت‌های مختلف از جمله والدین، کسانی که از



آیت‌الله محمد حسن مرعشی

زندگی‌نامه

آیت‌الله سید محمد حسن مرعشی شوشتری در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در شهرستان شوشتر خوزستان متولد شدند. ایشان تحصیلات مقدماتی را در همانجا به پایان رسانده و سپس در حوزه علمیه مقدمات را در ادبیات عرب و صرف و نحو آموخته و دروس سطح را نیز از اساتید حوزه فرا گرفتند. وی همزمان با تدریس مقدمات و سطوح عالی، درس خارج فقه را نیز فرا گرفتند. ایشان در دوران بعد از انقلاب از سوی شورای عالی قضایی دعوت به همکاری با قوه قضاییه شدند و ابتدا در شهرستان اهواز و سپس در دیوانعالی کشور و شورای عالی قضایی مشغول به کار شدند. علاوه بر این ایشان همزمان به کار تدریس در حوزه و دانشگاه مشغول بودند. ایشان هم‌اکنون عضو مجلس خبرگان رهبری بوده و هم‌چنین به عنوان استادیار رسمی در مدرسه عالی شهید مطهری مشغول تدریس می‌باشند.

کودکان نگهداری می‌کنند، نهادهای مسوول کودکان، رهبران مذهبی، کارکنان بیمارستان‌ها، معلمان، سیاستگذاران، و غایندگان چیست؟

لازم است برای جلوگیری از شیوع کودک‌آزاری از راه تبلیغات همگانی استفاده کرد و در مقابل محبت به کودکان را تبلیغ کرد.

۵- رفتار پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین با کودکان برای تربیت آنها به چه صورت بوده است؟ آیا در سیره پیامبر و ائمه معصومین برای تربیت کودکان از روش‌های خشونت‌آمیز (مانند تنبیه بدنی) استفاده می‌شده یا خیر؟

سیره و روش پیامبر اسلام (ص) نسبت به کودکان بسیار خوب بوده است و به اندازه‌ای در اسلام به کودکان محبت می‌گردد که بسیاری از کودکان دوست داشتند از فرزندان پیامبر باشند و روایات بسیاری در این مورد وارد شده است که می‌توان به کتاب‌های حدیثی مراجعه کرد.